

لاکچری بازی در بازار نوشت افزار

عرضه نوشت افزارهای چندمیلیون تومانی
در فروشگاه های اینترنتی

۰۴

۲۶۸ هزار دانش آموز اصفهانی غایب اند؟!

معاون اداره کل آموزش و پرورش **در گفت و گو با اصفهان زیبا** از
خطر ترک تحصیل پنهان هزاران دانش آموز استان می گوید

۰۵



منطقه ۱۲، نگین سرمایه گذاری اصفهان

علی باقری، مدیر منطقه ۱۲ شهرداری:
آینده اصفهان در شمال شهر معنا می شود

۰۶

غیبت اعداد و ارقام گرانی به بار آورد!

حذف قیمت ها، خودرو و مسکن را ارزان نکرد

۰۳

تیمی که همچنان خواب است

بررسی عملکرد نفره نذر آب آهنی ها
در مقابل تراکتور

۰۷

طعم تفت به روایت نارتی تی

از تجربه سفر تا الگویی
برای توسعه گردشگری

۰۲

عکس: آرژانه عزیزیان

اصفهان زیبا

I S F A H A N - E W S P A P E R

سال شانزدهم، شماره ۳۹۳۲
پنجمین ۱۸ دی ۱۳۹۹
۲۳ جمادی الاول ۱۴۴۲
۸۰۴ صفحه ۲۰۰۰ تومان

VOL.16 | NO.3932
Thursday
7 Jan 2021



عکاسی شانس زندگی ام بود

پرونده ای برای ۷۹ سالگی رضانور بختیار، عکاس سال های اصفهان

ضمیمه

برای تماشای
فیلم مربوط به
این خبر، بارکد
را اسکن کنید



« رسانه پرداز سپاهان »

میزبان سرورهای دولتی و خصوصی

سرورهای اختصاصی
(Dedicated Server)
پر قدرت (سانه پرداز)

DL380P 8th Generation
پردازش تا ۲۰ هسته واقعی
قابلیت افزایش RAM تا ۳۸۴ گیگابایت

فروش ویژه

نیروی برق دائمی و شبکه زیر ساخت ارتباطی کشور با پهنای باند نامحدود از طریق چند مسیر پشتیبان
پیش بینی فضای میزبانی داده متناسب با نیاز سازمانهای بزرگ

۰۳۱-۳۳۳۳۳۳۳۳ ۰۳۱-۳۳۳۳۳۳۳۳

۰۹۱۳ ۰۰۰ ۳۴۸۸

Resanehpardaz.ir

برادر گرامی جناب آقای ایمان صفری

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمان تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال
آرزوی صبر و سلامتی برای شما و خانواده محترم خواستاریم.

روزنامه اصفهان زیبا



استعلام شماره ۱۱/۹۹/۳

منطقه یازده شهرداری در نظر دارد پروژه های ذیل را تعیین پیمانکار نماید:

نام پروژه	مبلغ برآورد اولیه تقریبی	فهرست بها - سال	مدت اجرای عملیات/ماه	تضمین شرکت دراستعلام/ریال
زیرسازی و آسفالت معابر فرعی (نوبت دوم)	۲/۰۷۴/۰۰۰/۰۰۰	راه و باند-چاه-۹۹	۴	۱۲/۷۲۰/۰۰۰
احداث مسیر دوچرخه	۱/۸۲۰/۰۰۰/۰۰۰	ابنیه-۹۹	۳	۱۱/۹۶۰/۰۰۰
اصلاح هندسی، مناسب سازی ایستگاه اتوبوس و تعمیر و نگهداری معابر و ابنیه شهری (نوبت دوم)	۱/۵۷۶/۰۰۰/۰۰۰	ابنیه-۹۹	۴	۱۱/۲۳۰/۰۰۰
پیرایش شهری خیابان شریف غربی	۱/۶۵۸/۰۰۰/۰۰۰	ابنیه-۹۹	۳	۱۱/۴۸۰/۰۰۰
تعمیرات در مراکز فرهنگی و ورزشی (نوبت دوم)	۱/۲۳۹/۰۰۰/۰۰۰	ابنیه-۹۹	۴	۱۰/۱۹۰/۰۰۰

تذکرات:

- پیمانکاران ملزم به ارائه اسناد و مدارک شرکت/پیمانکاری، و سوابق کاری و گواهی نامه صلاحیت انجام کار خود قبل از تهیه اسناد می باشند، بدیهی است تحویل اسناد استعلام منوط به ارزیابی سوابق و توان شرکت کنندگان می باشد.
- واجدین شرایط می توانند از تاریخ نشر این اطلاعیه همه روزه به جز روزهای تعطیل تا تاریخ ۹۹/۱۰/۲۵ به منطقه ۱۱ واقع در خیابان شهیدان غربی دبیرخانه شهرداری منطقه ۱۱ و با ارائه معرفی نامه کتبی شرکت/پیمانکاری و سایر مدارک نسبت به خرید اسناد اقدام نمایند. لازم به ذکر است کلیه اسناد استعلام می بایست توسط شرکت کننده تأیید، مهر و امضا شده و طبق شرایط استعلام ضمیمه پیشنهاد گردد.
- آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت تا تاریخ ۹۹/۱۰/۲۷ می باشد. بدیهی است دریافت پاکت ها بعد از ساعت ۱۴ امکان پذیر نمی باشد.
- منطقه در رد قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.
- حضور نماینده تام الاختیار و مطلع به آنالیز قیمت پیشنهادی و بادر دست داشتن معرفی نامه کتبی پیمانکار در روز بازگشایی پاکتها در محل الزامی است.
- برندگان اول و دوم استعلام هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.
- برنده استعلام جهت عقد قرارداد باید معادل ۵٪ مبلغ مورد پیمان را به عنوان تضمین انجام تعهدات پیمان به صورت ضمانتنامه بانکی و یا فیش نقدی تسلیم نماید. این ضمانتنامه طبق ماده ۳۴ شرایط عمومی پیمان آزاد میگردد.
- هزینه چاپ آگهی استعلام به عهده برنده استعلام می باشد.

منطقه ۱۱ شهرداری اصفهان

عکس‌های سفر شما بدون اجازه منتشر شده است؟

شکایت‌هایی وجود دارد از مسافرانی که عکس‌هایشان توسط همسفران ، راهنمای تور یا آژانس مسافرتی ، بدون گرفتن اجازه و رضایت، در فضای مجازی منتشر شده است؛ آیا این کار تخلف یا جرم است؟ قانون‌گذار چه مجازاتی تعیین کرده است؟ به گزارش ایسنا، راهنمایان گردشگری روایت‌هایی دارند از مسافرانی که در جریان سفر، با رضایت شفاهی خودشان در قاب دوربین هم‌سفران یا راهنمای تور قرار گرفته‌اند اما وقتی عکس یا فیلم‌شان برای تبلیغ تور یا استفاده شخصی در فضای مجازی منتشر شده است، شاک‌ی و معترض شده‌اند. این تجربه منحصر به راهنماهای تور یا حتی مسافران نیست؛ عکاس‌ها نیز گاهی با چنین مواردی مواجه می‌شوند. این تخلفات و شکایت‌ها از طریق قانون جرائم رایانه‌ای پیگیری می‌شود. در سال ۱۳۸۸ مجلس شورای اسلامی این قانون را با ۵۶ ماده تصویب کرد که موضوعات گسترده‌ای را از شنود غیرمجاز تا هتک حیثیت در برمی‌گیرد. این قانون در همان سال از سوی رئیس‌جمهور وقت به وزارت دادگستری ابلاغ شد. در ماده ۱۶ فصل پنجم این قانون با عنوان «هتک حیثیت و نشر اکاذیب» آمده است: هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از ۹۱ روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال، یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. تبصره این ماده نیز تصریح کرده است، چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب، به حد اکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۱۷ نیز مشخص کرده است: هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او، جز در موارد قانونی منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از ۹۱ روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. این مواد قانونی جنبه خصوصی دارد و در صورت طرح شکایت خصوصی، پیگیری می‌شود. انتشار عکس‌ها یا کسب رضایت و مجوز قبلی، منع قانونی ندارد. انتشار محتویات مبتذل، به تعریف قانون، به فرض کسب اجازه و رضایت، مطابق قانون جرائم رایانه‌ای جرم تلقی شده و بدون شکایت خصوصی، قابلیت پیگرد دارد. برخی راهنمایان گردشگری می‌گویند ناآگاهی به این قوانین، محل اختلاف و شکایت‌های زیادی بین مسافر، آژانس، راهنمای تور، هتل و هم‌سفران شده است و اطلاع‌رسانی به آن رفتار در چارچوب این قوانین می‌تواند ارتکاز این اختلافات و شکایت‌ها حداقل در تورهای گردشگری و مسافرت‌های گروهی، که دست به‌دست شدن عکس‌ها و فیلم‌های آن به واسطه استفاده از فضای مجازی بیشتر شده است، جلوگیری کند.

تدوین طرح شناسایی، ارزیابی و رتبه‌بندی روستاهای هدف گردشگری

معاون گردشگری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی پیرو برگزاری نشست مشترک با گروه تدوین پروژه شناسایی، ارزیابی و رتبه‌بندی روستاهای هدف گردشگری، گفت: «پروژه شناسایی، ارزیابی و رتبه‌بندی مقاصد گردشگری کشور در دو بخش جاذبه‌های روستایی و شهری در دستور کار است تا بر مبنای پژوهش علمی، ارزش و جایگاه هریک از جاذبه به‌دقت تعیین و به عنوان زیرساختی قابل اتکا در عرصه تصمیم‌گیری‌های مختلف از جمله نرخ‌گذاری بسته‌های سفر به کار گرفته شود.» به گزارش ایلنا، ولی تیموری افزود: «در این پروژه مرحله شناسایی، ارزیابی و رتبه‌بندی روستاهای هدف گردشگری انجام شده است تا بر مبنای این اقدام ابتدا ظرفیت همه روستاهای کشور احصا و سپس طبق بررسی، انطباق با شاخصه‌ها و نیز الگوپذیری از مبنای علمی احصاشده، به عنوان روستای هدف انتخاب شوند.»

او با اشاره به اینکه ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی روستا نیازمند مدلی انطباق‌یافته با ویژگی‌ها و ماهیت روستاست، یادآور شد: «باتوجه به افزایش تمایل به سفرهای روستایی و به‌طور کل توسعه گردشگری روستایی ضروری بود تا با بازنگری در فرایند شناسایی، ارزیابی و رتبه‌بندی روستاهای هدف گردشگری زمینه مدیریت و تنبیه مطلوب آن‌ها تأمین شود؛ بر این اساس تدوین طرح شناسایی، ارزیابی و رتبه‌بندی روستاهای هدف محقق شد.»

تیموری با اشاره به اینکه متأسفانه به لحاظ فقدان مدل فراگیر و منطقی، نبود پایگاه آماری روزآمد و قیابرضی بودن گردشگری روستایی، چارچوب استاندارد برای تصمیم‌سازی مدیران در راهبری گردشگری روستایی وجود نداشته است، تأکید کرد: «براین اساس و همچنین باتوجه به اینکه قبل‌ا کار علمی و قابل دفاعی در راستای انتخاب روستاهای هدف وجود نداشته است، تدوین طرح شناسایی، ارزیابی و رتبه‌بندی روستاهای هدف گردشگری در دستور کار قرار گرفت تا بتولید و به‌کار بستن مدل فراگیر و کارای توسعه گردشگری روستایی به صورت هدفمند و متعال هدایت شود.»

معاون گردشگری در ادامه اهداف طرح شناسایی، ارزیابی و رتبه‌بندی روستاهای هدف گردشگری را برشمرد و گفت:

«پایاده‌سازی مدلی فراگیر و پویا بر پایه معیارها و شاخص‌های علمی به منظور شناسایی، ارزیابی و رتبه‌بندی روستاهای هدف گردشگری کشور، ایجاد پایگاه داده و اطلاعات به‌هنگام، برای تصمیم‌سازی واقدامات لازم توسعه و راهبری گردشگری روستایی، فرصت‌سازی به منظور الحاق و ایجاد ارزش افزوده در فعالیت‌های ذاتی روستا همچون کشاورزی و تولید صنایع‌دستی، درک، هدایت و ارتقای خواسته و سلیقه گردشگران روستایی از تجربه واقعی جاذبه‌ها و سبک زندگی روستایی، شبکه و منظومه‌سازی بین روستاهای هدف گردشگری همگن، ایجاد زمینه‌ای برای تجمیع، پردازش و انتقال بازخوردهای گردشگران و جامعه محلی به سازمان‌های مدیریت مقصد و نیز ایجاد فضای پویا و رقابتی میان مقاصد گردشگری روستایی به منظور ترغیب فعالیت‌های توسعه‌ای مستمر، بخشی از اهداف تدوین مذکور به شمار می‌آیند.»

او ادامه داد: «به کارگیری این مدل علاوه بر ایجاد مبنایی برای رتبه‌بندی کلی روستاهای کشور به صورت دوره‌ای، این امکان را فراهم می‌آورد تا رتبه و عملکرد روستا در هر یک از معیارها، شاخص‌ها و نیز شاخص‌های مدل با سایر روستاهای کشور که هم‌سنگ هستند، مورد مقایسه قرار گیرد.»

صحنه‌ان زیبا

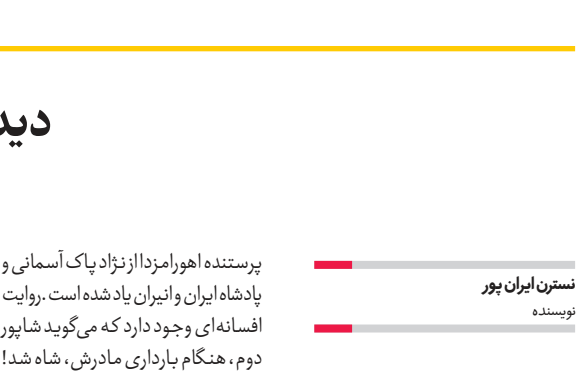
میراث و گردشگری *



از تجربه سفر تا الگویی برای توسعه گردشگری

زمستانی در کنار ساحل زیبای هرمز. برای ما (من و همسرم) اما آنچه سفر را زیبا می‌کند، تجربه شناختن آدم‌هاست. دوستی با آدم‌ها برای ما به نفسه

سفری برماجر است، چه برسد به اینکه این شناختن در دل سفری دیگر اتفاق بیفتد. رفتن و نشستن و حرف زدن و از زندگی‌ها و تجربه‌های زیسته گفتن اگرچه شاید برای بسیاری هیجان یک سفر را نداشته باشد، اما عمیق‌تر که بنگردی خواهید دید هیچ تاتی هیجان‌انگیزتر



اگر گفتید طولانی‌ترین مدت پادشاهی رادر میان شاهان ساسانی چه کسی داشت؟! فکر می‌کنید کدام پادشاه در دوران چهارصد و بیست و هفت ساله پادشاهی ساسانیان ، هفتادسال حکومت داری کرد؟! بله درست است. احتمالاً اگر علاقه‌مند به تاریخ و میراث‌گردی باشید، پاسخ درست داده‌اید: شاپور دوم! همان پسر تاق کوچک تاق بستان می‌بینید. در این کتیبه نوشته‌اند: «پیکره شاپور دوم در طرف راست و پیکره شاپور سوم در طرف چپ دیده می‌شود. در کنار هرپیکره کتیبه‌ای به خط پهلوی ساسانی نوشته شده است که نام شاه، نام پدر و نام پدربزرگ او در آن آمده و از شاه به عنوان پدربزرگ او یادآور شده‌اند»

پرسنده هورامزدا از یاد پاک با آسمانی و پادشاه ایران و انبیران یادشده است. روایت افسانه‌ای وجود دارد که می‌گوید شاپور دوم، هنگام بارداری مادرش، شاه شد!

حمزه اصفهانی در کتاب «مجل‌التواریخ و القصص» نوشته‌است که تاج پادشاهی را برشکم مادرش قرار دادند. طبری گزارش می‌دهد که همان درباریان، روحانیان و مقاماتی که در زمان زندگانی پدرش بر قدرت بودند، اداره امپراتوری شاپور را ادامه دادند که بیانگران آن است که امپراتوری به اندازه‌ی کافی ایمن و پایدار بود تا بتواند بدون یک پادشاه نیرومند پایدار بماند.



رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی کاشان از فرونشست شدید بستر زمین در زیرکی از پایه‌های سردر مسجد «درب یلان» و تخریب سردر این مسجد تاریخی خبر داد.
مهران سردیان گفت: «کارشناسان این اداره پس از بروز این مشکل به محل اعزام و متوجه شدند در بخشی از قسمت زیرین هشتی و سردر ورودی مسجد، فضای خالی همانند یک حفره بزرگ وجود دارد که با نفوذ نم و رطوبت به این فضای خالی، این فضا دچار نشست شده و به تبع آن نیز در نمای سردترک‌های عمیقی ظاهر شده‌بود. متأسفانه در سال‌های گذشته، نصب نامناسب ناودان در پام مسجد باعث شده بود تا آب باران به این بنا به تدریج نفوذ کند و وجود فضای خالی در زیر مسجد که کارشناسان ما پس از اعزام به محل متوجه وجود آن شدند، موجب نشست‌های سردر شد.»



از آن نیست. این فرصت در سال‌های اخیر به کمک بوم‌گردی‌ها میسر شده است. اقامتگاه‌های بومی این امکان را مهیا می‌کنند تا آدم‌ها به دور گرمای صمیمیت خانه گدعه کنند و حرف بزنند و دوستی کنند و بحث کنند و از هم‌دیگر بیاموزند و بیاموزاند. اقامتگاه‌های بوم‌گردی اگرچه عمر درازی از شروع به کارشان نگذشته است، اما رونق خوبی در این یکی دودهه به صنعت گردشگری داده‌اند. یک بوم‌گردی تنها جایی برای

اقامت‌گزیدن نیست؛ بلکه جنس فعالیتی که در آن اتفاق می‌افتد سفر را تبدیل به یک تجربه منحصر به‌فرد می‌کند. اگرچه برخی بوم‌گردی‌ها به واسطه نزدیکی به اماکن دیدنی تنها یک اقامتگاه محسوب می‌شوند، اما در بسیاری از آن‌ها تجربه سفر، در محدوده خانه بوم‌گردی اتفاق می‌افتد و هیچ نیازی به بیرون رفتن از خانه و گشتن در شهر یا روستا نیست. برای ما که یکی دودهه به صنعت گردشگری خودخواسته در زمینه گردشگری شده‌ایم



شاخاب پارس عبور می‌کردند و استان پارس، به ویژه از شیر- خوره و سواحل شاخاب پارس را غارت می‌کردند، چنین نبود. این عرب‌ها از بحرین، بَحر و منطقه کاظمیه می‌آمدند و این مناطق بعدها هزینه‌های زیادی را به دلیل حمله خود پرداخت می‌کنند. منابع بنیادین ساسانی گزارش می‌دهند که شاخپور که شاپور دوم به ۱۶ سالگی رسید، نبرد ی را بر ای آرام

کردن قبایل عرب و ایمن‌سازی مرزهای امپراتوری را آغاز کرد. شاپور دوم نخست به ایاد (Ayd) حمله کرد که در عراق قرار داشته (سواد در منابع تاریخی، استان ساسانی آسورستان). او پس از آن از شاخاب پارس عبور کرد و به الخطه که در منطقه ساحلی بحرین و قطر قرار دارد، رسید. او به حجر حمله کرد، که توسط قبایل تمیم، بکر بن وائل و عبد القیس مسکون بوده

از ۱۰ بنای مشهور ایرانی را روایت کرده است. قصه‌هایی از آدم‌ها و مکان‌ها و رویدادهایی که اگر دوربینی برای ثبتشان در کار بود، شاید می‌توانستند واقعی باشند. شفیع‌ی درگفت وگو با ایلنا می‌گوید: هنوز آن نگاه کاربردی و مفهوم‌گرای چند لایه را بر ای اثر و بنای تاریخی نداریم؛ درحالی‌که حتی یک سنگ هم داستان دارد؛ همان‌طور که شاملو در شعری می‌گوید: «کوه با نخستین سنگ‌ها آغاز می‌شود و انسان با نخستین درد…»

این پازل تنها وقتی مشهود است که تکه‌تکه‌های آن را کنار هم بگذاری. اما کسی این قطعات را کنار هم قرار نداده تا از آن مفهومی دربیارد و به نتیجه‌ای برسد. باید این مفاهیم را ملموس کنیم و از جایگاه دست‌نیافتنی به دسترس همه برسانیم، همان‌طور که در غرب بارها این کار را انجام داده‌اند؛ نمونه مشهور و محبوبش هم «اریاب حلقه‌ها» ست که تمام جغرافیای تاریخ‌نویرانی و افسانه‌های اجداد قبیوا رنگند. ما مانند تکه‌های پازل کنار هم می‌چیند تا وقتی نوجوانی به آن نگاه می‌کند، هویت خودش را پیداکند.

هدف من هم واگوی همین هویت است که در پس زمینه ذهنی تو چه هست و چه نیست؟ در ناخودگاه نوجوان ما چه چیزی باید گذاشته می‌شد که حذف شده؟ این

 نیم‌نگاه	اقامتگاه‌های بومی این امکان را مهیا می‌کنند تا آدم‌ها به دور گرمای صمیمیت خانه گدعه کنند و حرف بزنند و دوستی کنند و بحث کنند و از هم‌دیگر بیاموزند و بیاموزاند. اقامتگاه‌های بوم‌گردی اگرچه عمر درازی از شروع به کارشان نگذشته است، اما رونق خوبی در این یکی دودهه به صنعت گردشگری داده‌اند.
سال شانزدهم * شماره ۲۲۲۲ * پنجشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۹	۲



رفت و دیدن و معاشرت کردن با این جنس از آدم‌ها (که معمولاً انسان‌هایی متفاوت از دیگرانند) تجربه‌ای لذت‌بخش و خاص و قابل تعمق و تأمل است. به خصوص اینکه در بسیاری از این اقامتگاه‌ها، بوم‌گردی‌کردن به عنوان یک فعل یا یک شیوه زندگی محسوب می‌شود، نه صرفاً کار و تجارتی جهت ارتزاق.

یکی از بهترین این بوم‌گردی‌ها در طی سفرهایی که داشتم‌ایم، بی‌تردید نارتیتی است. صاحبان این خانه (رامتین و تینا) زوجی به غایت دلچسب‌اند که در شهر تفت در حوالی یزد خانه اجدادی‌شان را مرمت کرده و مشغول زندگی شده‌اند. این زوج رزق‌شنی در کنار خانه‌شان باغ‌یاری دارند که نام خانه‌شان را از آن گرفته‌اند. اسمش را نارتی‌تی به معنای شکوفه انار گذاشته‌اند و از این‌رو همه چیز در یک تناسب و هارمونی جذاب شکل گرفته

است. سفرکردن و زیستن در اقامتگاه‌های بوم‌گردی اما همیشه ساده نیست و شکل آن متفاوت است. بوم‌گردی به هیچ‌وجه یک هتل پنج ستاره نیست؛ اما این به معنی راحت نبودن نیست. معمولاً حمام و دستشویی برای همه مسافران مشترک است و آشپزخانه هم جایی برای آشپزی همه است و مسافران نیاز به دانش و درک از چنین مفهومی پیش از سفر دارند. برای همین شاید برای بسیاری از مردم در اولین مواجهه و سفر، حضور در بوم‌گردی شکلی جدید و عجیب داشته باشد و تا چند ساعت

گیج و محوفا باشد. با این حال طریقه برخورد و پذیرایی تینا و رامتین به قدری گرم و دوستانه و البته حرفه‌ای است که کمتر کسی به محض ورود احساس آرامش و همدلی نمی‌کند. برای ما این‌گونه آغاز شد که تینا از تزیینچه خانه گفت و رامتین از خودشان و زندگی‌شان. بعدتر دوستی با بقیه مسافران ساکن خانه و سرگرمی‌های موجود در فضای عمومی بوم‌گردی باعث ایجاد حس دوستی بیشتر شود. بازی‌های متنوعی که در این خانه وجود داشت



است. هنگامی که بسیاری از افراد قبیله را می‌کشد، می‌گوید برای اجازات بیشتر عرب‌ها، چاه‌ها را برای قطع جریان آب تخریب کرده‌است. این کار یک لشکرکشی به شرق عربستان و سوریه علیه عرب‌ها و شهرهای یمامه، بکر و تغلب به دنبال داشت. شاپور دوم به خاطر برخورد شدید با عرب‌ها، با عنوان (غریب) ذوالاکناف (کسی که شانه‌ها را سوراخ می‌کند) یا هوپه سونیا معروف شد که معادل شاگ‌انگ هنج در پارسی میانه است. در نتیجه این فتوحات، برخی از عرب‌ها به قلب عربستان رانده شدند و منطقه شاخاب پارس در دستان امپراتوری ساسانی باقی ماند. این بخشی از استراتژی کلی ساسانیان برای تأمین امنیت شاخاب پارس بود. تا زمان مرگ ساسانیان در سال ۳۲۷، صلح نسبی با روم برقرار بود، اما تغییر ارمنستان به مسیحیت و حمایت فرمانروایان رومی از ارمنستان باعث شد که شاپور دوم لشکرکشی علیه دشمنان شکست‌خورده شرقی‌اش بگیرد.

پادشاهی رسید، جنگ آغاز شد. شاپور دوم دو بار نصیبین را محاصره کرد و جنگ مداوم بود که به سود هیچ‌یک از طرفین نبود. سیستم دفاعی رومی درها و سنگ‌های آهکی مانع لشکرکشی شاپور در منطقه شد، اما برخی از درها مانند یزید به نزدیکی نصیبین به‌دست افتاد. طبری یاد می‌کند که شاپور دوم، در میان پروژه‌های شهرسازی‌های خود، شهرهایی را در سند و سیستان بنا کرد که فرمانروایی او بر آن منطقه را تأیید می‌کند. در نهایت، بیشتر سکه‌های طلای ضرب شده توسط شاپور دوم مربوط به ضرب خانه‌های شرقی مانند مرو است که در آنجا کوشانان نیز سکه‌های طلا ضرب می‌کردند. همچنین، مقدار زیادی سکه سسی از ضرب خانه‌های سگستان و کابل موجود است. این می‌تواند به این معنی باشد که شاپور دوم توانست مقدار زیادی طلا و دیو قزاق‌گران بها از دشمنان شکست‌خورده شرقی‌اش بگیرد.

حذقیات رامن به عنوان نویسنده باید به صورت ملموس نشان دهم. هرچند که تلاش کرده‌ام از حالت سرگذشت‌نامه‌ای صرف حذر کنم، و تنها به معرفی بنا و تاریخچه‌اش بسنده نکنم؛ بلکه قصه‌ای اغلب تخیلی و فانتزی را دستمایه کار قرار دهم. معتقدم، آنچه در این میان مغفول واقع شده، ناخودآگاه تاریخی بشر است که در مهاجرت‌ها، جنگ‌ها و رقابت سینه به سینه قصه‌ها همین طوره‌ی عوض شده و از واقعیت خودش دورو به یک واقعیت دیگر نزدیک شده است.

دربیان این قصه‌ها، باید تلنگر هویتی را مدنظر داشت. می‌خواستم عظمت معماری ایران را نشان دهم که آنقدر با ناگهانی انسانی ساخته شده که حتی این کار را برای دشمن هم می‌کند تا متحول شود. می‌خواستم مخاطب متوجه شود که معماری ایرانی یعنی انسانیت و این مفهوم رادر قالب قصه‌ای تخیلی گفتم. معماری ایرانی، ابتدا انسان را می‌بیند و بعد حول محور او، بنا را طراحی می‌کند. مثل معماری امروزی ما نیست که بنا ساخته و بعد انسان وسط آن چپانده شود. برای همین است که از معماری شهری فرامی‌کنیم؛ میدان‌ها و خیابان‌ها جذاب نیستند و آدم‌ها تا وقتی پیدا کنند سمت شمال فرامی‌کنند.

در حکایت دیگری که از میزبان نقاش جهان گشته‌ام نیز، همین مفهوم انسانیت در ذهن معمار ایرانی را نمایش داده‌ام که تصویر شاه در حال محو شدن از روی بناهاست و همان معمار نقش جهان به کمک شاه و به کمک تاریخ می‌آید. آیندگانی که می‌آیند آن‌ها قضاوت می‌کنند که این معماران و هنرمندان هستند که در ذهن بشری ما‌ند، نه پادشاهان.

طرح سانسور قیمت در بازار آنلاین مسکن و خودرو شکست خورد؛ زیرا نتیجه آن به جای کاهش، افزایش قیمت‌ها بود. در نهایت مجلس نشینان موافقت خود را برای بازگشت قیمت به آگهی‌های اینترنتی اعلام کردند.



سعیده غفاری خبرنگار

❖ **اردیبهشت ماه قیمت خودرو و مسکن از سایت‌های اینترنتی سانسور شد تا شاید با ثبات قیمت‌ها، دلالتن باروبندیل خود را از این دو بازار ببندند و ببرند! مسئولان در آن زمان درج قیمت در پلتفرم‌های خریدوفروش خودرو و مسکن را عاملی برای اغتشاش بازار ورشد قیمت‌های نامتسند، ولی سخن‌گوی کمیسیون اقتصادی مجلس هفته قبل از افزایش ۲۵ درصدی قیمت خودرو در پی حذف قیمت از سایت‌ها خبر داد. شواهد نشان می‌دهد دلالتن در پی حذف قیمت‌ها بایزوبندیل خود را سایت‌های فروش بسند و مجدد در اینستاگرام پهن کردند!** ❖

طرح سانسور قیمت در بازار آنلاین مسکن و خودرو شکست خورد؛ زیرا نتیجه آن به جای کاهش، افزایش قیمت‌ها بود.

موتور توزیع رانت حداقل صد هزار میلیارد تومانی روشن خواهد شد؟

❖ **وزیر صمت در حالی بر قیمت‌گذاری دستوری فولاد اصرار دارد که نه تنها سرنوشت صنایع دیگر با قیمت دستوری را فراموش کرده، بلکه سخنان خود را در مخالفت با این شیوه قیمت‌گذاری گویا از یاد برده است.** به گزارش مهر، یک ماه پیش معاونت اقتصادی رئیس‌مجهوری شیوه‌نامه جدیدی را برای صنعت فولاد کشور تحت عنوان «سامان‌دهی عرضه و تقاضای رنجیره فولاد» به وزارت صمت و وزارت امور اقتصادی و دارایی ابلاغ کرد؛ از جمله نکات مهم این بخش‌نامه تعیین قیمت پایه شمش، اسلب، ورق گرم، ورق سرد و میلگرد بر اساس ۵۰ درصد نرخ CIS بود که همین موضوع از همان روز اول ابلاغیه مورد انتقاد فعالان حوزه فولاد قرار گرفت؛ چرا که به اعتقاد آن‌ها این شیوه‌نامه نه تنها زمینه را برای بروز رانت فراهم می‌کند بلکه قیمت‌گذاری دستوری، اصل اولیه و بدیهی عرضه محصول در بورس را زیر سؤال می‌برد؛ زیرا طبق قانون قیمت تمام کالاهایی که در بازار بورس پذیرفته می‌شوند، باید بر اساس مکانیزم بازار تعیین شود. در پاسخ به انتقادات مطرح‌ه، جلساتی بین فعالان حوزه فولاد و محمد نهاوندیان، معاون اقتصادی رئیس‌جمهوری برگزار و مقرر شد شیوه‌نامه مذکور اصلاح شود. همچنین به دستور وزیر صمت باتشکیل کمیته فولاد، مقرر شد که نحوه عرضه و قیمت محصولات بررسی شود. ❖

با این حال وزیر صمت دیروز سه‌شنبه ابلاغ شیوه‌نامه سامان‌دهی عرضه و تقاضای محصولات فولادی به بورس خبر داد و گفت که در این شیوه‌نامه قیمت پایه شمش فولادی در بورس کالا باید بر اساس ۷۰ درصد قیمت CIS باشد. بنا به اظهارات دیروز وزیر صمت، در شیوه‌نامه نهایی‌شده، نه فقط مکانیزم گذاری از حالت دستوری خارج نشده، بلکه نرخ پایه عرضه در بورس، ۱۰ درصد پایین‌تر از نرخ شیوه‌نامه اولیه تعیین شده است و رات صد هزار میلیارد تومانی که قیمت پایه معادل ۸۰ درصد قیمت CIS ایجاد می‌کرد، بسیار بیشتر خواهد شد.

در موضوع فولاد، مسئله این است که صمت این است که رویه کارشناسی آن‌ها برای تعیین قیمت پایه مشخص نیست و این مسئله به قوام بورس آسیب می‌زند

البته بورس کالا ساعاتی بعد از ابلاغیه وزارت صمت، در نامه‌ای خطاب به معاون وزیر صمت تلویحاً اعلام کرد که از این ابلاغیه تبعیت نخواهد کرد و موضوع جهت تصمیم‌گیری به شورای عالی بورس ارجاع می‌شود. سید جواد چهرمی، معاون عملیات بورس کالا درباره علت مخالفت با اجرای ابلاغیه وزارت صمت و تبعات اجرای این ابلاغیه می‌گوید: در موضوع فولاد، مسئله ما با وزارت صمت این است که رویه کارشناسی آن‌ها برای تعیین قیمت پایه مشخص نیست و این مسئله به قوام بورس آسیب می‌زند؛ به این معنا که یعنی دلیل کارشناسی ۷۰ درصد معلوم نیست؛ بر همین اساس ممکن است فردا ۵۰ درصد اعلام کنند؛ همان‌طور که متأسفانه در سال‌های گذشته شاهد بودیم که هر بخشی سعی می‌کرده است منافع خود را در وزارت صمت کسب کند؛ اما بورس کالا نباید این‌گونه قیمت‌گذاری دستوری داشته باشد. در حالی که برای تعیین قیمت فولاد در بورس، باید به موضوع قبلی وزیر صمت در تعارض است، بلکه برخلاف توافقی است که وزارت صمت پیش‌تر با مجلس درباره قیمت فولاد داشت. پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس ۳۰ مهر ماه از توافق با وزارت صمت برای لغو قیمت‌گذاری دستوری خبر داده بود.

طرح سانسور قیمت در بازار آنلاین مسکن و خودرو شکست خورد؛ زیرا نتیجه آن به جای کاهش، افزایش قیمت‌ها بود. در نهایت مجلس نشینان موافقت خود را برای بازگشت قیمت به آگهی‌های اینترنتی اعلام کردند.

مدت اخیر شده است.»

❖ **موافقان ومخالفان چه می‌گویند؟** امیرحسین کاکایی، کارشناس صنعت خودرو و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت از جمله مخالفان حذف قیمت از سایت‌های اینترنتی به اقتصاد آنلاین توضیح داد: «واقعیت این است که ما همان موقع هم گفتیم هیچ‌کدام از این روش‌ها جواب نمی‌دهد؛ چون اصلاً این هیجان قیمت‌ها معلول هستند و این وسط یک عده هم سوءاستفاده می‌کنند. سایت اینترنتی که خودش تنش ایجاد نمی‌کند، سایت اینترنتی اطلاع‌رسانی می‌کند. اگر شما اطلاعات درست بدهید هیچ‌کس اطلاعات دروغین را باور نمی‌کند و برعکس اگر ظاهر اطلاعات خوب‌امادروغ باشد، کند آن بیرون می‌زند.» افتاده‌اند قیمت را به سایت‌ها بازگردانند. محدودیت درج قیمت در آگهی‌های فروش موجب شد نرخ‌های نجومی و کذایی توسط بعضی از کاربران در فضای مجازی اعلام شود و به التهاب بازار خودرو و مسکن دامن می‌زند. مهدی طیفانی، سخن‌گوی کمیسیون اقتصادی مجلس هفته قبل درباره تأثیر حذف قیمت از سایت‌ها به اینسا گفت: «حذف قیمت خودرو و مسکن نه تنها تأثیر مثبتی بر قیمت‌ها نداشته، بلکه باعث افزایش ۳۵ درصدی قیمت خودرو طی

صفهان زیبا

* اقتصاد *

غیبت اعداد و ارقام گرانی به بار آورد!

حذف قیمت‌ها، خودرو و مسکن را رزان نکرد

فعال بیشتر از روندهای بازار تأثیر می‌پذیرند تا اینکه روی بازار اثرگذار باشند. در مقابل قیمت‌گذاری در سایت‌های فروش همچنان مخالفانی دارد و مخالفان قیمت‌گذاری بر این باورند که درج بهای خودرو و مسکن در سایت‌ها موجب اغتشاش و نوسانی شدن بازار می‌شود. بعضی کارشناسان در حوزه مسکن از جمله مصطفی قلی خسروی، رئیس اتحادیه مشاوران املاک از مخالفان اعلام قیمت مسکن در سایت‌هاست و از همان ابتدا اجرای این طرح تعیین قیمت‌ها توسط کاربران و مالکان بدون هیچ مبنای اساسی را عاملی برای رشد بیشتر قیمت‌ها می‌دانست؛ زیرا بعضی از مالکان به دنبال فروش نیستند، بلکه تنها با توجه به قیمت اعلام‌شده از سوی همسایه باهم محله خود قیمتی را در سایت‌ها درج می‌کند و تکرار این روند قیمت‌ها را بالا می‌برد. عده‌ای نیز در قالب دلال‌دربووش مالک، سایت‌های اینترنتی را به دلیل پنهان ماندن هویتشان فضای مناسبی برای ایجاد نوسان و کسب سود می‌دانستند.

* قیمت‌ها حذف نشدن!

بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد قیمت خودرو و مسکن از سایت‌های اینترنتی حذف نشد، بلکه از سایت‌ها به اینستاگرام نقل مکان کردند تعدادی از صفحات خصوصی



۱۲ تومان می‌فرشود. قبلاً فولادساز براساس این حساب و کتاب که نرخ جهانی ۱۸ دلار است، محصول خود را ۱۷ دلار در داخل عرضه می‌کرد و اگر خریدار نداشت، صادر می‌کرد؛ اما وزارت صمت اصرار دارد فولاد باید با قیمت پایه در بورس کالا عرضه شود و خریدار نمی‌تواند این قیمت را بالا ببرد؛ اگر محصول فروش نرفت، شرکت فولادی می‌تواند اقدام به محدود و مشخصی هستند، به صورت صادرات کند. اتفاقی که در این بین رخ می‌دهد، خریداران فولاد که تعداد محدود و مشخصی هستند، به صورت قیمت‌های گزاف و نیز سرازیر شدن درآمد‌های کلان به جیب واسطه‌ها و به زیان مردم دانست و از «نهادهای بالادستی» خواست برای مقابله با چنین پیامدهای ناخواسته‌ای، در فرایندهای بازاریابی دخالت نکنند. بورس کالا صراحتاً اعلام کرد این قیمت‌گذاری دستوری را اجرا نخواهد کرد و محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز مصوبه وزیر صمت را غیرقانونی دانست و اعلام کرد که قیمت‌گذاری دستوری جز ایجاد رانت و فساد در اقتصاد کشور، هیچ دستاوردی ندارد. این صحبت وزیر نیز واکنشی را از سوی سهام‌داران در روز گذشته در پی داشت و باعث روند نزولی سهم‌های مرتبط و لیبر شد.

❖ اقتصاد روز ❖

کرونا فاتحه نمایشگاه‌های بهاره را خواند



ثناکیری نویسنده

دولت، تمهیداتی برای سامان دادن بازار نوروزی ۱۴۰۰ در نظر گرفته است تا تعادل قیمتی و آرامش نسبی در بازارهای مختلف حاکم شود. در حال حاضر وضعیت بازار شیرینی به دلیل کمبود مواد اولیه یعنی روغن و شکر چندان مساعد نیست و رئیس اتاق اصناف ایران وعده تأمین مواد اولیه با قیمت مناسب را برای این صنف داده است تا شرایط ثبات قیمت شیرینی در روزهای پایانی سال فراهم شود. همچنین خبری از برگزاری نمایشگاه‌های بهاره در آستانه سال نو نیست و دولت جهت حمایت از اصناف مختلف، این نمایشگاه‌ها را چه با وجود کرونا و بدون کرونا از لیست برنامه‌های بازار نوروزی حذف کرده است. بازار در شرایط حاضر روند عادی و آرامی را طی نمی‌کند. این امر دولت را بر آن داشته تا فکری به حال بازار شیرینی، میوه و آجیل و خشکبار برای روزهای پایانی اسفند کند تا شاید آرامش با نزدیک شدن به روزهای پایانی سال مهمان بازار شود.

* تأمین مواد اولیه برای شیرینی

شیرینی یکی از اقلام پر فروش در آستانه سال نو محسوب می‌شود ولی بازار مواد اولیه شیرینی وضعیت مناسبی ندارد. در حال حاضر روغن و شکر به عنوان مواد اصلی شیرینی نه تنها قیمت بالایی دارند، بلکه کمتر از تقاضا عرضه می‌شوند. از این رو تأمین مواد اولیه با قیمت مطلوب اقدام اصلی دولت در راستای سامان دادن بازار شیرینی در اسفند ماه است. طبق گفته‌های سعید ممبینی، رئیس اتاق اصناف ایران به خبرگزاری فارس، علی‌رغم افزایش قیمت چند نوبته قیمت مواد اولیه شیرینی در سال ۹۹، قیمت شیرینی از ابتدای سال افزایش نیافته است و از طرفی شیوع کرونا، کاهش مصرف شیرینی را به دنبال داشته و شاهد ضرر و زیان قنادی‌ها هستیم. این مقام مسئول درباره اقدامات دولت برای بازار نوروزی شیرینی فروشان توضیح داد: «ما در مذاکره با دولت، پیگیر تأمین مواد اولیه شیرینی از جمله شکر و روغن خواهیم بود؛ به طوری که این مواد را با قیمت مناسب و به وفور در اختیار قنادان بگذارند.» با این اوصاف قیمت شیرینی در روزهای پایانی اسفند با افزایش همراه نخواهد شد و قنادان مشکلی در تأمین مواد اولیه خود ندارند.

* حذف نمایشگاه بهاره برای حمایت

حذف نمایشگاه بهاره از دیگر اقدامات دولت برای حمایت از کسبه به ویژه صنف پوشاک فروشان به شمار می‌رود. نمایشگاه‌های بهاره رقیب اصناف مختلف در آستانه سال جدید بودند و موجب کسادی نسبی بازار می‌شدند. رئیس اتاق اصناف نیز دایرشدن نمایشگاه‌های بهاره را عاملی برای آسیب‌دیدن کسبه می‌داند و در این باره گفت: «تضمینی برای ارائه کالای مرغوب و با قیمت مناسب به مصرف‌کننده در این نمایشگاه‌ها وجود ندارد. لذا با توجه به آسیب‌های جدی یک سال گذشته به بیشتر صنوف به دلیل شیوع بیماری کرونا و تعطیلات اجباری، تورم، رکود و... حتی با رفع شرایط کرونایی برای نمایشگاه‌های عرضه مستقیم کالا را مصلحت نمی‌دانیم.» شایعاتی بین مردم درباره برگزاری نمایشگاه‌های بهاره آنلاین در اواخر سال ۹۹ وجود داشت که توضیحات سعید ممبینی نشان می‌دهد دولت هیچ برنامه‌ای برای نمایشگاه‌های بهاره در آستانه سال جدید ندارد و خبری از نمایشگاه‌ها حتی آنلاین چه با جود کرونا و چه بدون کرونا در سال ۹۹ نیست.

* آجیل و خشکبار دست به دامن اتحادیه

قیمت آجیل و خشکبار در سال جاری روند صعودی پیدا کرد؛ تاجایی که افشار زیادی توان خرید آجیل برای شب یلدا را هم نداشتند. با این اوصاف تصویری شد دولت در راستای بهبود شرایط بازار آجیل و کاهش قیمت‌ها برای بازار شب عید اقدام مؤثری کند؛ ولی گفته‌های رئیس اتاق اصناف از ثابت‌بودن شرایط بازار آجیل و خشکبار حکایت می‌کند؛ زیرا این مقام مسئول اظهار داشت: «در باره آجیل و خشکبار هم اتحادیه مربوطه تلاش خواهد کرد اقدام پرمصرف با قیمت متعارف در بازار عرضه شود.» در نتیجه قیمت آجیل و خشکبار در آستانه سال نو کاهش محسوسی نمی‌یابد و با وجود قیمت‌های بالا، مشکلی در زمینه عرضه وجود ندارد؛ زیرا افشار کم‌درآمد توان خرید آجیل برای سال نو را با تدوام شرایط فعلی نخواهند داشت!

* بازار میوه به خدا سپرده شد!

رئیس اتاق اصناف ایران با اشاره به اقدامات پیشگیرانه اصناف برای افزایش قیمت کالاهای شب عید گفت: «وزارت جهاد کشاورزی هنوز اقدامی برای خرید سیب و پرتقال شب عید نکرده است.» هر سال در مناسبت‌های مختلف به ویژه عید نوروز با افزایش تقاضا برای میوه روبه‌رو می‌شویم و رشد تقاضا باعث دلالت بازی و گرانی میوه می‌شود؛ از این رو دولت هر سال میوه به ویژه سیب و پرتقال را با قیمت دولتی توزیع می‌کند. براساس توضیحات سعید ممبینی، سازمان تعاون روستایی و جهاد کشاورزی خرید میوه شب عید از جمله سیب و پرتقال را به عهده دارد؛ ولی تاکنون اقدامی در این راستا انجام نداده است. در نتیجه وضعیت بازار میوه در روزهای پایانی سال درهاله‌ای از ابهام قرار دارد و با تدوام شرایط فعلی بازار میوه جهت خرید یک کیلوگرم سیب یا پرتقال با کیفیت برای نوروز باید ۱۰ هزار تومانی هزینه کرد.

۲۶۸ هزار دانش‌آموز اصفهانی غایب‌اند؟!

معاون اداره کل آموزش و پرورش در گفت‌وگو با اصفهان‌زیبا از خطر ترک تحصیل پنهان هزاران دانش‌آموز استان می‌گوید



عادل امیری خبرنگار

با عیان شدن هرچه بیشتر پیام‌های اقتصادی و اجتماعی شیوع کرونا در لایه‌های پنهان جامعه، جامعه‌سنجی این بیماری و عدم آمادگی نهاد‌های متولی در مواجهه با رویکردهای تهاجمی کووید ۱۹ در عرصه‌های مختلف، بهتر به چشم می‌آید. یکی از پیام‌های اسف‌بار این پاندمی در ایران و شهرهای دیگری همچون اصفهان، رواج نهانی ترک تحصیل در میان دانش‌آموزان، به خصوص در پایه متوسطه، آن‌هم با انگیزه‌های اقتصادی در میان افشار آسیب‌پذیر است. محمدرضا ناظم‌زاده، معاون آموزش دوره متوسطه اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، ضمن ابراز نگرانی از بروز این مسئله، در گفت‌وگو با اصفهان‌زیبا بدون ارائه آماری از تعداد دانش‌آموزان ترک تحصیلی، گفت «البته تعداد دانش‌آموزانی که در معرض خطر هستند چندان چشمگیر نیست!» این درحالی‌است که به گفته او «تعداد کل دانش‌آموزان استان ۸۶۸ هزار و ۳۱۲ نفر است که هم اکنون ۷۶۰ هزار و ۳۱۲ نفر در شبکه شاد احراز هویت شده و حدود ۶۰۰ هزار نفر در این شبکه فعال هستند.» تعداد معدودی نیز هستند که محمدرضا ناظم‌زاده معتقد است: «از راه‌های دیگر آموزش می‌بینند.» براساس این اظهارات، می‌توان نتیجه

گرفت که ۱۰۸۰۶۰ دانش‌آموز استان در شبکه شاد احراز هویت نشده‌اند؛ لذا یا از نرم‌افزارهای دیگر بهره می‌برند که بنا بر اظهارات ناظم‌زاده، تعداد معدودی‌اند و نمی‌توانند تعداد بالایی باشد، یا به‌طور کل آنلاین نیستند. از سوی دیگر، از احراز هویت شده‌ها در شبکه شاد، ۳۱۲ و ۱۶ نفر در این شبکه فعال نیستند که آن‌ها هم به احتمال زیاد، آنلاین نیستند. بنابراین می‌توان نتیجه‌گرفت به احتمال زیاد، ۲۶۸۳۱۲ دانش‌آموز استان از کمی کمتر، به هر دلیلی «فعالیت برخه» ندارند. غیبت آن‌ها به این بدگمانی‌دامن زده که این دانش‌آموزان یا «ترک تحصیل» کرده یا «از تحصیل روی گردانده‌اند».

حالا دیگر خسارت‌های زیان‌بار کرونا به افشار آسیب‌پذیر جامعه به مرحله‌ای رسیده است که فعالیت اقتصادی سرپرستان خانوار، اگر ورشکسته و بیکار نشده باشند، به تنهایی پاسخ‌گوی نیازهای روزمره این خانواده‌ها نیست و به همین خاطر، نیاز به استفاده از نیروی کار در دل خانواده، بیش ازپیش بالاگرفته است. در این طبقات، هر خانواده به‌طور میانگین دو فرزند دانش‌آموز در مقاطع مختلف دارد که در یک سال گذشته به دلیل شیوع کرونا، مجبوره به استفاده از آموزش‌های مجازی بوده‌اند. این آموزش‌ها از مدخل اینترنت و رسانه‌های جمعی با استفاده از تلفن‌های همراه اندروید، تلپ‌تپ، تبلت، کامپیوترهای خانگی و تلویزیون عرضه می‌شوند. ساعت‌های آموزش

برای مقاطع مختلف، متفاوت است و چنانچه تنها دو دانش‌آموز در یک خانواده مشغول به تحصیل باشند، به تداخل ساعت‌های آموزشی برمی‌خورند؛ تازه به شرطی که حداقل یکی از وسایل ارتباطی یادشده را که دست‌کم بیش از ۴ تا ۵ میلیون تومان قیمت دارند، به همراه اینترنت (مثلا همراه اول، هر گیگ ۴ هزار تومان) در اختیار داشته باشند.

* غم‌شاد این شبکه چشمگیر نیست!

معاون آموزش دوره متوسطه اداره کل آموزش و پرورش استان، می‌گوید: «بیش از ۹۰ درصد دانش‌آموزان دوره متوسطه به آموزش مجازی دسترسی دارند و بخشی که به دلایل مختلف به آموزش مجازی دسترسی ندارند، شناسایی‌شده و شیوه‌های دیگر آموزشی برای آن‌ها پیش‌بینی‌شده است.» این گفته در حالی مطرح می‌شود که از یک سو دسترسی صرف به آموزش‌های مجازی دلیلی بر فراگیری آموزش از سوی همه دانش‌آموزان نیست و جای خالی نظارت همه‌جانبه بر تحصیل مجازی را پرچسته می‌کند، تا آنجا که بررسی تخصص‌های اینستاگرامی منتشرشده در خصوص آموزش‌های مجازی نشان می‌دهد که «بسیاری از دانش‌آموزان این‌گونه دریافت آموزش را در حد "فان" یا سرگرمی برگزار می‌کنند و کارشناسان آموزشی نیز، به دلیل

پایین‌بودن استانداردهای آموزشی مجازی در کشور، از اافت تحصیلی فراگیر در این دوران خبر می‌دهند.» ازسوی دیگر، طبق آمار ۸۶۸ هزار و ۳۷۲ نفر از دانش‌آموز استان که به گفته او «هم‌اکنون ۷۶۰ هزار و ۳۱۲ نفر، از آن‌ها در شبکه شاد احراز هویت شده و «حدود ۶۰۰ هزار نفر در این شبکه فعال هستند»، تعداد ۱۰۸ هزار و ۶۰۰ نفر مطلقا به شبکه شاد دسترسی ندارند یا عضو آن نیستند و ۱۵۹ هزار و ۰۶۰ نفر از افرادی که در شبکه شاد احراز هویت شده‌اند نیز، در این شبکه فعال نیستند. بنابراین به نظر می‌رسد که به‌رغم گفته محمدرضا ناظم‌زاده مبنی بر اینکه «تعداد دانش‌آموزانی که در معرض خطر هستند چندان چشمگیر نیست!» این رقم به درستی توی چشم می‌زند و باید با فوریت به آن رسیدگی کرد.

* دانش‌آموزان حاشیه‌نشین در حاشیه آموزش

او البته با نقی به پیگیری‌های اولیای مدارس در حضور غیاب دانش‌آموزان در دوران پیشاکرونا می‌گوید: «در سال‌های قبل به‌واسطه حضور نیاقتن در مدرسه، مدیر و معلم متوجه ترک تحصیل دانش‌آموز می‌شدند و برای بازگشت او به تحصیل تلاش می‌کردند؛ اما اکنون شناسایی این دانش‌آموزان سخت‌تر شده است.»

نقطه کور مهمی که حفره‌ای دیگر

از نبود سازوکارهای پیشگیرانه و پیش‌بینی‌نشده در نظام آموزشی دوران کرونا را نمایان می‌کند. به گفته ناظم‌زاده، این نوع از ترک تحصیل «بیشتر در مناطق حاشیه‌ای آموزش و پرورش استان در حال رخ دادن است.» مسئله‌ای که به‌وضوح، با توجه به مشکلات معیشتی به‌وجود آمده به‌وسیله کرونا هم‌خوانی تام دارد و نه تنها در اصفهان که در شهرهای

● ● ●

از ابتدای سال تحصیلی، مدیران مدارس مکلف شده‌اند اطلاعات آموزشی تمام دانش‌آموزان را داشته باشند؛ یعنی مدیر هر مدرسه بداند دانش‌آموز از چه آموزشی بهره می‌برد



صفهان‌زیبا جامعه *

۲۶۸ هزار دانش‌آموز اصفهانی غایب‌اند؟!

معاون اداره کل آموزش و پرورش در گفت‌وگو با اصفهان‌زیبا از خطر ترک تحصیل پنهان هزاران دانش‌آموز استان می‌گوید

مختلف ایران از طریق دنبال‌کردن «اخبار خودکشی دانش‌آموزان خردسال به خاطر یک گوشی تلفن همراه یا یک تبلت» قابل‌بررسی است. این اخبار همچنین نشان می‌دهد که «دانش‌آموزان مناطق محروم، چگونه برای اتصال به اینترنت و استفاده از شبکه شاد، در به‌در کوه و بیابان شده‌اند.»
باین‌حال، معاون آموزش دوره متوسطه اداره کل آموزش و پرورش استان مدعی است: «در حال حاضر بسیاری از منتقدان اعتراف می‌کنند شبکه شاد ارتقا پیدا کرده و قرار است به‌سرعت مطلوب برسد تا دانش‌آموزان بتوانند از این فضای امن و رایگان استفاده کنند.» او اما درباره این ادعا، به‌رغم وجود انتقاد‌های فراوان، هیچ‌گونه مستنداتی ارائه نداده است.

* دیگی مجازی

برای بچه‌های واقعی

باین‌حال، ناظم‌زاده می‌گوید: «از ابتدای سال تحصیلی، مدیران مدارس مکلف شده‌اند اطلاعات آموزشی تمام دانش‌آموزان را داشته باشند؛ یعنی مدیر هر مدرسه بداند دانش‌آموز از چه آموزشی بهره می‌برد.»

شاید حالا دیگر این آموزش‌های نرم برای برخی از دانش‌آموزان جای خود را به آموزش‌های سختی داده باشد که در دل بازار کار و به‌دور از شفقت و کرامت انسانی به دست می‌آیند، چنانکه کافی است سری به پیاده‌روهای چهارباغ بالا و پایین و بازار سبزه‌میدان بزنید و شاهد «فروشنده‌گی» یا «فرما بونی» نوجوانانی باشید که در پیاده‌روها مردم را به خرید جنس ترغیب می‌کنند و تازه این رویه آشکار و وجه خوب قضیه است؛ چون نمی‌خواهیم وارد ابعاد پنهان بازار کار

سیاه شویم. معاون آموزش دوره متوسطه اداره‌کل آموزش و پرورش استان نیز ضمن اشاره به این موضوع، می‌گوید: «در حوزه متوسطه با این مسئله رویه‌رو هستیم که برخی دانش‌آموزان وارد فضای کار می‌شوند و این موضوع مشکلی برای ما ایجاد کرده است؛ اینجا جایی‌است که باید دایه دلسوزتر از مادر باشیم و به‌عنوان متولی آموزش و پرورش وظیفه داریم دانش‌آموز را رصد کنیم تا خللی در روند آموزش آن‌ها اتفاق نیفتد.»
پرسش اصلی اینجاست که این «دایه» که تا همین چندی پیش از معضلی به نام ترک تحصیل پنهان دانش‌آموزان باخبر نبود و از طریق «این» و «آن» به این معضل وقوف پیدا کرد و حتی آمار دانش‌آموزان ترک تحصیلی یا در شرف ترک تحصیل را ندارد یا ارائه نمی‌دهد، چگونه می‌خواهد نقشی مهربان‌تر از «مادر» را برای دانش‌آموزان واقعی در دنیای مجازی بازی کند؟

ا در شهر ا

آمار کرونای اصفهان ۱۷دی فوتی و ۱۹۷ ابتلای جدید

سخن‌گوی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان روز گذشته از ابتلای ۱۹۷ بیمار مبتلا به کرونا طی ۲۴ ساعت اخیر در مراکز تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی اصفهان خبر داد. آرش نجیمی اظهار کرد: در این بازه زمانی تعداد کل موارد نمونه‌گیری شده ویروس کرونا در استان یک هزار و ۴۹۱ نفر بودند که ۱۹۷ بیمار جدید مبتلا به کرونا در استان اصفهان به جز شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل شناسایی شدند. او افزود: از این تعداد بیمار جدید مبتلا به کرونای شناسایی شده، ۸۴ نفر در مراکز درمانی تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بستری شدند؛ همچنین در این بازه زمانی ۷۷ بیمار بهبود یافته از مراکز درمانی ترخیص شدند. سخن‌گوی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با بیان اینکه در حال حاضر ۴۱۵ بیمار مبتلا به کرونا در مراکز درمانی استان اصفهان به جز کاشان و آران و بیدگل بستری هستند، تصریح کرد: از این تعداد ۹۶ بیمار در بخش مراقبت‌های ویژه نگهداری می‌شوند. او آمار مرگ و میر بیماران مشکوک به کرونا طی ۲۴ ساعت اخیر در استان اصفهان را ۱۱ نفر اعلام کرد و گفت: از این تعداد شش نفر فوت شده مثبت کرونا بوده‌اند.

ا بدون تعارف ا

کرونا موجب انزوای و بیماری‌های روحی سالمندان می‌شود

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و سرپرست واحد سلامت اجتماعی مرکز بهداشت استان گفت: در شرایط همه‌گیری بیماری کرونا باید مراقب باشیم، حفظ فاصله فیزیکی با سالمندان و رعایت نکات بهداشتی درخصوص آن‌ها، موجب گوشه‌گیری، انزوای و ابتلای آن‌ها به بیماری‌های خلقی و روانی نشود. دکتر «زهرامینی» با بیان اینکه سالمندان به دلیل کمهولت سن، ضعف سیستم ایمنی بدن و دارا بودن برخی بیماری‌های زمینه‌ای نظیر مشکلات قلبی و عروقی، فشار خون و دیابت، مستعد ابتلا به بیماری کرونا هستند و در صورت ابتلا، ممکن است شرایط دشواری برای آن‌ها ایجاد شود. افزود: بهره‌گیری از رژیم غذایی سالم و سرشار از ویتامین و پروتئین‌های مفید، تأمین خواب کافی، مصرف منظم داروها و کنترل بیماری‌های زمینه‌ای از یک سو و رعایت نکات پیشگیرانه نظیر کاهش مهمانی‌ها و تجمعات خوشاوندی در منزل فرد سالمند، استفاده نکردن آن‌ها از وسایل حمل‌ونقل عمومی، ماندن در خانه و کاهش مرادوات روزانه برای خرید مایحتاج خانه، می‌تواند به حفظ سلامت این قشر در مقابل ویروس کرونا کمک کند. او تصریح کرد: نباید فراموش کرد که سالمندان جامعه علاوه بر مشکلات جسمی و ضعف سیستم ایمنی بدن، به لحاظ روحی و روانی نیز در شرایط ویژه و شکننده‌ای به سر می‌برند و کسب حمایت‌های اجتماعی و تأمین نشاط و شادایی آن‌ها می‌تواند موجب بهبود روحیه و ارتقای عملکرد سیستم عصبی آن‌ها شود که خود در کاهش بیماری و افزایش مقاومت بدن، مؤثر است. سرپرست واحد سلامت اجتماعی مرکز بهداشت استان، اخلاص حواس، ضعف حافظه و زور بازو و سرتس را یکی از پیامدهای تنها ماندن و گوشه‌گیری سالمندان برشمرد و خاطر نشان کرد: نباید رابطه خانوادگی با سالمندان را به‌طور کامل قطع کرد، بلکه لازم است فرزندان به نوبت و به صورت فردی به آن‌ها سرزده و با رعایت تمام نکات بهداشتی همچون استفاده از ماسک، حفظ فاصله فیزیکی و ضد عفونی کردن دست‌ها و اشیای در تماس با سالمند، مستمر احوال آن‌ها را جویا شوند. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ادامه داد: ایجاد سرگرمی‌های مفرحی همچون تماشای فیلم، انجام بازی شطرنج، خواندن کتاب یا موقتن مهارت‌های جدید می‌تواند علاوه بر رفع کسالت و بهبود روحیه سالمندان، اختلال عملکرد حافظه را در آن‌ها به تعویق اندازد. این متخصص پزشکی اجتماعی یادآور شد: عدم رسیدگی به سالمندان و بی‌تفاوتی به آن‌ها می‌تواند با ایجاد مشکلاتی نظیر فراموش کردن مصرف داروها، بروز مشکلات غذایی و ایجاد یأس و ناامیدی، آن‌ها را زودتر از بیماری کرونا در معرض آسیب‌های بزرگ جسمی و روانی قرار دهد. امینی با اشاره به علائم بالینی بیماری کرونا تأکید کرد: ضروری است، در رژیم غذایی فرد سالمند، بر مصرف انواع غذاهای حاوی آنتی اکسیدان‌ها و ویتامین‌های A، C و E که در انواع میوه‌ها و سبزی‌های تازه وجود دارد تأکید شده و در صورت بروز علائمی نظیر سرفه و تب، ضمن مشورت با پزشک معالج یا تماس با شماره‌های ۴۰۳ و ۳۱۳، نکات مراقبتی لازم، نظیر استراحت کافی و ضد عفونی‌کردن ظروف و سطوح، مستمر انجام پذیرد.

ا دانستی‌های حقوقی ا

تعليق مجازات

چيست و چه شرايطي دارد؟

تعليق مجازات يعنی مجازات مجرم به طور موقت و در مدت زمانی مشخص اجرا نشود و هدف اين امر، آن است که متهم به زندگي بازگردد. قانون‌گذار در موارد مختلفی از طريق مجازات صحبت کرده و مواد ۴۶ تا ۵۴ قانون مجازات اسلامی به اين موضوع تخصيص یافته شده است. براساس اين در جرائم تعزیری درجه ۳ تا ۸ دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرايط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق کند؛ همچنین براساس اين ماده، دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری پس از اجرای یک سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی تقاضای تعليق داشته باشد یا محکوم پس از تحمل یک سوم مجازات در صورت دارا بودن شرايط قانونی از طريق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعليق داشته باشد. بر اساس ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی، تعليق به دو دسته ساده و تعليق مراقبتی تقسيم می‌شود. در تعليق ساده متهم تعهد می‌کند که در مدت تعليق جرمی انجام ندهد؛ اما در تعليق مراقبتی می‌گويد علاوه بر شرايط تعليق ساده متهم باید دستورات دادگاه را هم در مدت تعليق انجام دهد. بر اساس قانون مجازات اسلامی، تعليق مجازات به انواع مختلفی تقسيم می‌شود. وجود جهات تخفيف، پيش بينی اصلاح مرتکب، جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران و فقدان سابقه کیفری مؤثر از جمله شرايط عمومی تعليق مجازات است.

سه افغانستاني محکوم به قصاص نفس آزاد شدند



رئیس‌کل دادگستری استان اصفهان از آزادی سه محکوم به قصاص نفس با تلاش دستگاه قضایی و همت خیران کاشانی خبر داد. به گزارش ایرنا از مرکز رسانه قوه قضائیه، محمدرضا حبیبی گفت: این سه محکوم از اتباع افغانستان در جریان یک پرونده قتل به قصاص محکوم شده بودند که با تلاش‌های گسترده مسئولان قضایی و به همت خیران، با پرداخت دیه و اخذ رضایت اولیای دم، از طلب دارهائی یافتند. او افزود: با توجه به اینکه محکومان، مجازات حبس جنبه عمومی جرم رانیز سبری کرده بودند، از زندان آزاد شدند.

ا زنگ خطر ا

۲۰۰ نفر در اصفهان

بر اثر انتشار گاز مونوکسید کربن مسموم شدند



شماره ۱۹۴ برای حوادث گاز پاسخ‌گوی مشترکان است، اضافه کرد: مردم می‌توانند بررسی اصول ایمنی و استاندارد، استفاده و نصب صحیح لوازم گرمایشی شامل پکیج، بخاری، آب‌گرم‌کن و دیگر موارد را با کارشناسان مربوط مطرح کنند. از علائم مسمومیت با گاز مونوکسیدکربن می‌توان به سفتی عضلات، سردرد، سرگیجه، تهوع و استفراغ و درد شکم، افزایش تعداد تنفس، کاهش فشارخون و گاه تنگی مردمک‌ها اشاره کرد.

 نیم نگاه	شهرداری منطقه ۱۲ با ۸۲۰۰ هکتار وسعت ، وسیع ترین منطقه شهرداری اصفهان است که ۸۲درصد آن حریم بوده وزمین های بگرو دسترسی های مناسبش ، آن را برای سرمایه گذاری مناسب تر کرده است .
--	---

۶	سال شانزدهم * شماره ۲۹۲۲ * پنجشنبه * ۱۸ دی ۱۳۹۹
---	--

منطقه ۱۲، نگین سرمایه گذاری اصفهان

علی باقری، مدیر منطقه ۱۲ شهرداری: آینده اصفهان در شمال شهر معنامی شود



زهره قندهاری دبیرسرویس مدیریت شهری زهرالاحدی خیرنگار

شهرداری منطقه ۱۲ با ۸۲۰۰ هکتار وسعت، وسیع ترین منطقه شهرداری اصفهان است که ۸۲درصد آن حریم بوده وزمین های بگرو دسترسی های مناسبش ، آن را برای سرمایه گذاری مناسب تر کرده است.
به گفته مدیر منطقه ۱۲، این منطقه نگین سرمایه گذاری در میان مناطق اصفهان است و آینده شهر اصفهان با ظرفیت های ورزشی، اقتصادی و فرهنگی در شمال شهر متصور است.
علی باقری، مدیر منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان، ضمن بازدید از روزنامه اصفهان زیبا درباره مشکلات و پروژه های مهم خدماتی و عمرانی این منطقه سخن گفت.
مدیر منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان معتقد است منطقه ۱۲، به لحاظ زمین های بکر و دسترسی های بسیار مناسب، منطقه ای طلایی برای سرمایه گذاری است.
عبور ۵۶درصد مسافران ازاین منطقه، قابلیت سرمایه گذاری آن را افزایش داده است.
به گفته باقری، منطقه ۱۲ کارگاه عمرانی شهر و نگین سرمایه گذاری در میان مناطق اصفهان است.
آینده شهر با توجه به ظرفیت های ورزشی، اقتصادی و فرهنگی موجود درشمال شهر متصور است واین منطقه می تواند آینده شهر را متحول کند.

منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان به لحاظ زمین های بکر و دسترسی های بسیار مناسب، منطقه ای طلایی برای سرمایه گذاری است. عبور ۵۶درصد مسافران از این منطقه، قابلیت سرمایه گذاری آن را افزایش داده است.

منطقه ۱۲

کارگاه عمرانی شهر و نگین سرمایه گذاری در میان مناطق اصفهان است. آینده شهر با توجه به ظرفیت های ورزشی، اقتصادی و فرهنگی موجود در شمال شهر متصور است واین منطقه می تواند آینده شهر را متحول کند

از زمین های راه شده، مشکلاتی برای معابر و نظافت آن ایجاد کرده است و برخی از افراد سودجو اقدام به ترکیب زمین ها و ساخت غیرقانونی زمین ها کرده اند که این موضوع باعث افزایش هزینه حفظ و حراست از زمین ها در منطقه شده است. او وسعت حریم ها را یکی از تفاوت های منطقه ۱۲ دانست و گفت: نسبت وسعت منطقه ۱۲ در مقایسه با بعضی مناطق یک به ۱۰ و در بعضی دیگر یک به ۶ است. ۱۰ درصد معابر شهر در این منطقه است که انجام آسفالط، حفظ و نگهداری و رفت وروب این مناطق را بسیار سخت و سنگین کرده است. میزان تناژ استفاده شده در ۹ ماه ابتدای سال برای معابر اصلی ۵۲۰۰، برای معابر فرعی ۳۵۰۰ و در جمع ۸۷۰۰ بوده است. متراژ آسفالط معابر اصلی ۳۷ هزار متر و معابر فرعی ۱۸ هزار متر بوده، چراکه آسفالط معابر و مبارزه با گردوغبار از اولویت های شهرداری است.
مدیر منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان گفت: بودجه منطقه با ۱۸۰۰ میلیارد ریال رتبه چهارم را در مناطق دارد که ۱۱۵ میلیارد آن برای کارهای عمرانی صرف شده و مابقی هزینه های جاری و نگهداری است. باقری توجه به اولویت های محله ها و نیازهای مردم برای بودجه بندی در منطقه را راهی برای رسیدن به عدالت نام برد و افزود: ما در شهرداری تلاش می کنیم پروژه هایی را دنبال کنیم که اولویت مردمی داشته باشد و گرهی از کار مردم باز کنند.

با ظرفیت زیاد این پارک سوار، سرویس کارخانه های مختلف می توانند برای انتقال کارگران از این پارک سوار استفاده کنند. دسترسی به ایستگاه مترو، حمل و نقل را روان تر و امکان پارک ۲۰۰ خودرو برای استفاده عموم مردم از مترو را آسان تر کرده است.
افتتاح خیابان آرمان یکی دیگر از پروژه های منطقه است که جزو خواسته های ۲۰ ساله اهالی بوده؛ مهندس باقری در این خصوص بیان کرد: خیابان آرمان در پایان خرداد ۹۹ در محله ناصرخسرو که یک محله کم برخوردار است، کلنگ زنی شد. این خیابان دسترسی محلی را تسهیل می کند.
خیابان سازی پروژه انجام شده و در حال حاضر تردد در آن جاری و مورد استفاده مردم است؛ اما به طور رسمی افتتاح نشده است.
احداث این خیابان، پروژه مهم و کلیدی برای محله های ناصرخسرو و امیر عرب بود که طراحی منحصربه فرد آن با فضای مناسب همراه با بلوار و فضاهای شهری، زیبایی خاصی برای اهالی محل به وجود آورده است.
زیرسازی ساخت ها توسط شرکت های خدماتی در این خیابان انجام شده است؛ همچنین شش خط لوله فاضلاب در خیابان اجرا شده و برای جابه جایی و تأسیسات حدود هفت میلیارد تومان هزینه شده است.

*** پروژه های میدان شهید علیخانی محرک توسعه اند**

مدیر منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان در ادامه در خصوص پروژه های محرک توسعه منطقه از پروژه شهید علیخانی نام برد و تصریح کرد: این پروژه در کنار ساختمان مترو واقع شده و ۱۱ در طبقه با ۴ طبقه پارکینگ همگف و شش طبقه روی همگف، با توجه به قرارگرفتن در کنار مترو می تواند مشکل پارک خودرو در این منطقه را حل کند. زمین و پروانه این پروژه در سال ۹۶ با ۲۲ میلیارد تومان توسط شهرداری تأمین شد و ساخت پروژه با سرمایه گذار است که امیدوارم تا پایان تابستان سال ۱۴۰۰ به بهره برداری برسد. باقری ادامه داد: در کنار این پروژه، ساختمان بتونی ایستگاه مترو که سال ها رها شده بود با هفت هزار مترمربع زیربنا، برای تکمیل در اختیار سرمایه گذار قرار گرفته است. این ساختمان در دوطبقه با کاربری فروشگاه، بازی کده کودکان و مجموعه تفریحی و ورزشی پیش بینی شده است. همچنین در کنار این مجموعه ها، زمینی برای ساخت پارکینگی روباز برای سال آینده در دستور کار قرار گرفته تا جوابگوی ترافیک ناشی از راه اندازی مراکز خرید و تفریحی میدان شهید علیخانی باشد.
به گفته او، پروژه

مشارکتی مجتمع مسکونی کارزونی در منطقه ۱۳ و مجموعه ورزشی شهرک نگین در ۴ طبقه که ۸ درصد پیشرفت فیزیکی داشته و تا پایان سال به بهره برداری می رسد، از جمله پروژه های مشارکتی منطقه ۱۲ است. این مجموعه پکیج کاملی از بازی های توپی، بولینگ، سونا و جکوزی و بازی های رزمی است که با کمک بخش خصوصی نیاز شهرک نگین به مکان ورزشی را تأمین می کند.

*** توسعه منطقه صنعتی محمودآباد قانونی نیست**

منطقه وسیع ۱۲ در مجاورت صنایع آلاینده قرار گرفته و یکی از مشکلات آن غلظت آلایندگی در این منطقه است. باقری وجود سنگ بری های خیابان امام خمینی و صنایع کوچک اطراف را در این الودگی مؤثر دانست. او در خصوص آلایندگی سنگ بری ها و اقدامات شهرداری برای حل این مشکل گفت: ۳۸ سنگ بری در خیابان امام خمینی قرار دارد که ۳۳ واحد در محدوده منطقه ۱۲ قرار گرفته است. طی چند سال گذشته با جلساتی که در معاونت عمرانی استانداری برگزار شد، طرح انتقال سنگ بری ها به بیرون شهر مطرح شد و تاکنون ۳۴ کارگاه از این تعداد تعطیل شده است. مقرر شد به ازای تعطیلی این واحدها، ۲۰ هکتار زمین در مجاورت منطقه صنعتی محمودآباد برای احداث نمایشگاه اختصاصی سنگ تخصیص یابد که این کار در دست اقدام است.

مدیر منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان در ادامه به مشکل طرح توسعه منطقه صنعتی محمودآباد اشاره کرد و گفت: در سال ۸۷ در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد، بر اساس مصوبه هیئت دولت، طرح مطالعه و توسعه منطقه محمودآباد مطرح شد که ۲۷۰ هکتار به ۶۰۰ هکتار افزوده شود؛ اما طرح ناقص ماند و روند قانونی را طی نکرد. در نهایت، یک پروانه بهره برداری توسط شرکت های صنعتی صادر شده است که به دلیل طی نکردن مراحل قانونی، مخالفت را رعایت نکردن ضوابط توسعه شهرک صنعتی در خصوص محدودده محمودآباد مطرح کرد و گفت: اولین ضابطه مربوط به استقرار شهرک با رعایت شعاع ۵۰ کیلومتری از شهر است که درخصوص این شهرک رعایت نشده است.
چندی پیش این موضع مجدداً در شورای حفظ حقوق بیت المال مطرح شد و به دلیل طی نشدن روند قانونی، دستگاه های

نظارتی، شهرداری منطقه ۱۲ و شهرداری شاهین شهر با توسعه این منطقه مخالفت کردند.

*** حل مشکل فاضلاب منطقه مسکونی محمودآباد**

مدیر منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان در خصوص مشکلات منطقه مسکونی محمودآباد بیان کرد: این منطقه مشکلات مختلفی داشته که بسیاری از آن ها حل شده و سرانه ورزشی فرهنگی محله در حد استانداردهای روز کشور است؛ اما این محله فاقد فاضلاب بود که با همکاری و تعامل با سازمان آبفا لوله گذاری فاضلاب در سال ۹۸ محله در حد استانداردهای روز کشور است؛ اما این محله فاقد فاضلاب بود که با همکاری و تعامل با سازمان آبفا برپزار کردیم، برای کاهش مراجعه شهروندان به شهرداری، مقرر شد شهروندان در مراجعه به اداره آب، حقاری فاضلاب را تقاضا کنند و تقاضاها به شهرداری منتقل و مجوز برای حقاری صادر شود. سرعت بخشی به کار از اهداف طرح بود که خوب اجرا شد؛ البته متأسفانه تعدادی از شهروندان برای دریافت مجوز هنوز مراجعه نکرده اند که خواهیم دید حقاری را قبل از مرمت آسفالط انجام دهند تا بعد از مرمت مجبور به تخریب آسفالط نشویم.

*** عاشق آباد از بین دست خراج می شود**

باقری از بافت فرسوده و دسترسی های محدود منطقه ۱۲ سخن گفت و ادامه داد: منطقه ۱۲ وسعت و جمعیت فراوانی دارد. میزان بافت فرسوده ۱۵۲ هکتار است که در بعضی از مناطق آن دسترسی را به مشکلاتی مواجه کرده است. البته بنا به گفته باقری، در دوره های قبل اقداماتی برای حل این معضل انجام شد؛ اما هنوز مشکلات پابرجاست.
مدیر منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان با اشاره به احداث دسترسی برای محله عاشق آباد و تسهیل دسترسی اهالی محل به خیابان های مجاور خاطر نشان کرد: مردم محله عاشق آباد درخواست دسترسی به خیابان باهرستان، شهرک کوثر و امیرکبیر را داشتند که خوشبختانه و در حال حاضر خیابان سازی اتصال عاشق آباد به خیابان امیرکبیر به طول هزار متر در حال انجام بوده و خیابان دیگری هم به طول ۱۵۰۰ متر آماده بهره برداری است.
او اظهار کرد: طرح اتصال عاشق آباد به باهرستان هم در دستور کار قرار گرفته است که در صورت تصویب این طرح، عاشق آباد به خیابان باهرستان متصل شده و مردم به راحتی و با مسافتی کوتاه می توانند وارد محدوده ملک شهر شوند.
برای این موضوع، طرحی در

جلسه ای با معاون عمرانی استانداری پیشنهاد داده ایم که اگر فرایندش طی شود و با آن موافقت کنند، در دستور کار قرار می گیرد. در طراحی دسترسی محله عاشق آباد به خیابان باهرستان، خیابانی به طول ۱۱۰۰ متر

کلنگ زنی می شود و عملا اتصال مرکز محله عاشق آباد به خیابان باهرستان اتفاق می افتد.
مدیر منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان در خصوص بافت فرسوده محله عاشق آباد گفت: با کمک اهالی محل و معتمدان، خیابان شهید امینی و مخبرات در محله عاشق آباد از شرق و غرب میدان اصلی تعریض و دسترسی محلی سامان دهی می شود. این اتفاق علاوه بر دگرگونی بافت فرسوده، باعث می شود سرمایه گذاران برای اجرای پروژه در محله تشویق شوند.

*** مرکز توانمندسازی بانوان پروژه ای حمایتی در منطقه ۱۲**

مدیر منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان گفت: مرکز توانمندسازی زنان سرپرست خانوار یکی از پروژه های حمایتی شهرداری در منطقه کم برخوردار امیرالمومنین (ع) و ناصرخسرو است که مکانی برای آموزش و حمایت از زنان سرپرست خانوار است. این پروژه با توجه به نیاز منطقه در سال ۹۷ کلنگ زنی شد و سال گذشته بعد از ۱۸ ماه به بهره برداری رسید. باقری در خصوص نحوه فعالیت این مرکز بیان کرد: این مجموعه در چهار طبقه است؛ اما هنوز به صورت کامل به بهره برداری نرسیده؛ البته کلاس های آموزشی تشکیل شده و مشکلات آن در حال مرتفع شدن است. بر اساس تفاهم نامه ای که با کمیته امداد، میراث، بهزیستی و شورای شهر بسته شده، زنان سرپرست خانوار در این مرکز آموزش می بینند و به کمک تسهیلات کمیته امداد، کسب وکار راه اندازی می کنند. سازمان میراث فرهنگی هم زمینه فروش تولیدات و صنایع دستی را برای آن ها فراهم می کند. این زنان بیمه می شوند و می توانند شغل مشخصی داشته باشند. او با اشاره به اینکه سرانه ورزشی و فرهنگی محله های منطقه ۱۲ تکمیل است، تصریح کرد:

تعداد مراکز تحت پوشش سرپوشیده شهرادر چهار عدد، روباز ۱۲ عدد و تعداد فرهنگ سراهای این منطقه ۱۰ فرهنگ سراست.
مدیر منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان ادامه داد: مجموعه ورزشی محله امین آباد در دوطبقه مطابق با استانداردها و برای تمامی اقشار احداث شد. افتتاح فرهنگ سرای دکتر حسینی و در نظر گرفتن زمینی برای احداث ورزشگاه در محله عاشق آباد از جمله پروژه های فرهنگی

و ورزشی در محله های مختلف منطقه است .

*** استفاده از پساب**

راه برون رفت از خشکی فضای سبز

مدیر منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان با اشاره به اینکه استفاده از پساب تصفیه شده از شاهین شهر یکی از پروژه های مهم منطقه ۱۲ برای نجات فضای سبز منطقه از خشک سالی است، اظهار کرد: مساحت فضای سبز منطقه دو میلیون و ۹۶۳ مترمربع و سرانه فضای سبز به ازای هر نفر ۲۱ مترمربع است.

باقری افزود: در حال توسعه طرح انتقال پساب هستیم. در همین راستا تصفیه خانه و مخازن ساخته شده و لوله گذاری انجام شد. در طرح توسعه، شهرک نگین و پل شریعتی به این پروژه متصل می شوند و برای آبیاری فضای سبز این مناطق از پساب تصفیه شده استفاده می کنیم. تصفیه اولیه در تصفیه خانه شاهین شهر انجام می شود. گندزایی آب در تصفیه خانه مطابق با استانداردهای محیط زیست و اداره استاندارد و ماهیانه با چهار تست انجام می شود تا دغدغه تأمین آب قابل استفاده در این منطقه حل شود و آب پایدار، مطمئن و سالم را برای آبیاری فضای سبز منطقه داشته باشیم .

*** اجرای طرح پیرایش شهری در خیابان علم الهدی**

مدیر منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان گفت: پیرایش شهری و اجرای آن در یکی از خیابان های مناطق طرحی است که در دستور کار قرار گرفته و طبق تأکید شهردار مبنی بر انتخاب یک خیابان برای اجرای پیرایش شهری، ما خیابان علم الهدی را انتخاب کردیم. فاز پایلوت فاز دوم پیشرفت بسیار خوبی داشته است. منطقه ۱۲، اولین منطقه ای است که در این زمینه برنامه جلودتری نسبت به سایر مناطق دارد. در این طرح تمام نازیایی های این خیابان اصلاح می شود. پیرایش شهری شامل پیاده روها، فضای سبز، مناسب سازی معابر برای معلولان، نصب تابلوی راهنمایی و رانندگی، نصب تابلوی کوچه ها، تعیین مسیر دوچرخه و هر آنچه نیازاست، در دستور کار قرار گرفته است. این خیابان الگو است. در ابتدا اجرای کار در آن سخت بود؛ اما به مرور با فرهنگ سازی و همکاری شهروندان، کار به خوبی پیش رفت و در حال حاضر بازخورد خوبی از شهروندان دریافت کردیم. این پیرایش باعث ارزش افزوده در این منطقه شده است.

*** کسب رتبه اول تکریم ارباب رجوع**

باقری خاطر نشان کرد: شهرداری منطقه ۱۲ رتبه اول تکریم ارباب رجوع را در سال ۹۸ و ۹۹ به دست آورده و بر اساس نظرسنجی معاونت برنامه ریزی و سرمایه انسانی شهرداری که با کمک آئتم ها رتبه اول را به دست آورده است، او در ادامه با تأکید بر نهادینه سازی برخی رفتارها در جهت تکریم ارباب رجوع و تسریع امور در منطقه گفت: درصددیم فرایندهای زائد و امضاهای بی مورد در شهرداری را حذف کنیم تا کارها به سرعت انجام شود؛ اما هنوز نتوانستیم به ایدئال برسیم. ما وقتی موفق می شویم که شهروند دیگر به شهرداری نیاید و اموراتش را به سهولت انجام دهد. در پایان لازم است مراتب تقدیر و تشکر خود را از راهزهای، مساعدت و مشارکت مردمی شهروندان منطقه ۱۲ و همچنین پشتیبانی های شهرداری محترم اصفهان و معاونانش واعضای محترم شورای شهر اسلامی اعلام و از زحمات خالصانه همکاران بسیار خوبیم در مجموعه شهرداری منطقه ۱۲ تشکر و سپاسگزاری کنم.



مسعود اصفاری	
خبرنگار	
	
برای بسیاری از هواداران فوتبال در اصفهان و حتی ایران قابل باور نیست که بعد از گذشت ۹ هفته از آغاز رقابت های لیگ بیستم تیم فوتبال ذوب آهن همچنان بدون برد با کسب فقط ۶ امتیاز در جایگاه پانزدهم جدول رده بندی لیگ قرار داشته باشد. ذوب آهن در شرایطی روی پله پانزدهم ایستاده که امسال خانه تکانی بسیار بزرگی روی نیمکت و دربین بازیکنان داشت و حضور رحمان رضایی بازیکن سابق تیم ملی به عنوان سرمربی، این نوید را به هواداران ذوب آهن داد تا تیمشان بتواند در جایگاه مناسبی از جدول قرار بگیرد؛ ولی بااین وجود هر چه به پایان رقابت های نیم فصل اول لیگ نزدیک می شویم، شرایط برای ذوب آهن خوب پیش نمی رود و مجموعه ای از مشکلات	

مختلف مثل اشتباهات داوری، اشتباهات بازیکنان و بیماری کرونا باعث شده تا ذوب آهن تا به امروز نتوانسته باشد تا به یک برد دست پیدا کند. اگر نگاهی به جدول لیگ بیندازیم، تیم هایی مثل نساجی، سایپا، نفت مسجد سلیمان و پیکان که در این دو فصل هم ردیف فوتبال ذوب آهن بودند، توانستند به پیروزی دست پیدا کنند و این ۶ امتیاز آنقدر زیاد نبوده که بتواند ذوب آهن را از انتهای جدول لیگ نجات دهد. تیمی که در هفته گذشته موفق شده بود در خانه پرسپولیس به یک امتیاز ارزشمند دست پیدا کند در اصفهان قافیه را به تراکتور باخت تاروهای سخت رحمان رضایی با ذوب آهن ادامه داد داشته باشد.

شهاب گردان: هر چند نباید به دروازه بانی که دو گل دریافت کرده و تیمش هم بازی را باخته است، امتیاز خوبی داد، گردان بدون شک ستاره تیمش در مقابل تراکتور بود و اگر عکس العمل های به موقع و

مناسب او روی حملات تراکتور نبود، شاید فاجعه ای در ورزشگاه فولادشهر رقم می خورد و ذوب آهن با نتیجه بسیار عجیب مغلوب به تراکتور می شد. با این حال عملکرد گردان در روز بد مدافعان ذوب آهن بسیار خوب بود و او در این بازی نمره قابل قبولی گرفت.
وحید محمدزاده: هر دو گل تراکتور در مقابل ذوب آهن به واسطه اشتباهات خط دفاعی اصفهانی هارقم خورد و محمد عباس زاده یک بار در نیمه اول و یک بار هم در نیمه دوم توانست از عدم پوشش مناسب قلب خط دفاعی ذوب آهن استفاده لازم را ببرد و این یعنی عملکرد محمدزاده به عنوان یک مدافع میانی در ترکیب تیمش خوب نبوده است

مسعود ابراهیم زاده: در غیاب قریشی

مصدوم و حسینی محروم، ابراهیم زاده

به ترکیب ذوب آهن اضافه شد؛ ولی به

نظرمی رسيد که او هم از شرایط ابدنال به

دوراست و عملکرد چندان مناسبی در این

بازی نداشت.

فرشاد محمدی مهر: هر چند محمدی مهر در دو هفته گذشته یکی از خوب های ذوب آهن بود، ولی با این حال فشار تراکتور در بعضی از دقایق باعث شد تا این بازیکن نتواند نفوذ آنجانی انجام دهد؛ ولی طبق معمول او در یکی دو مرحله با شوت های از راه دور خطری جدی را روی دروازه حریف ایجاد کرد.

مهرداد قنبری: قنبری هم در مقابل تراکتور روز خوبی نداشت و تحت تأثیر عباس زاده یک بار در نیمه اول و یک بار هم در نیمه دوم توانست از عدم پوشش مناسب قلب خط دفاعی ذوب آهن استفاده لازم را ببرد و این یعنی عملکرد محمدزاده به عنوان یک مدافع میانی در ترکیب تیمش خوب نبوده است

مسعود ابراهیم زاده: در غیاب قریشی

مصدوم و حسینی محروم، ابراهیم زاده

به ترکیب ذوب آهن اضافه شد؛ ولی به

نظرمی رسيد که او هم از شرایط ابدنال به

دوراست و عملکرد چندان مناسبی در این

بازی نداشت.

محمد سلطانی مهر: هافبک ذوب آهن

برای بازی در مقابل بازیکن فیزیکی مثل

اکبر ایمانی روز سختی را پشت سر گذاشت؛



مسعود اصفاری	
خبرنگار	
	
برای بسیاری از هواداران فوتبال در اصفهان و حتی ایران قابل باور نیست که بعد از گذشت ۹ هفته از آغاز رقابت های لیگ بیستم تیم فوتبال ذوب آهن همچنان بدون برد با کسب فقط ۶ امتیاز در جایگاه پانزدهم جدول رده بندی لیگ قرار داشته باشد. ذوب آهن در شرایطی روی پله پانزدهم ایستاده که امسال خانه تکانی بسیار بزرگی روی نیمکت و دربین بازیکنان داشت و حضور رحمان رضایی بازیکن سابق تیم ملی به عنوان سرمربی، این نوید را به هواداران ذوب آهن داد تا تیمشان بتواند در جایگاه مناسبی از جدول قرار بگیرد؛ ولی بااین وجود هر چه به پایان رقابت های نیم فصل اول لیگ نزدیک می شویم، شرایط برای ذوب آهن خوب پیش نمی رود و مجموعه ای از مشکلات	

ولی با این وجود او می توانست عملکرد بهتری در مقابل تراکتور داشته باشد، جایگیری بهتری در خط دفاعی ذوب آهن داشته باشد تا به بازیکن حریف اجازه شوت زنی ندهد.

قاسم حدادی فر: هافبک طراح ذوب آهن در مقابل تراکتور سازی و اسیر هافبک های جنگنده و فیزیکی این تیم شد و در حالی که انتظار می رفت تقابل حدادی فر و مسعود شجاعی به عنوان دو بازیکن باتجربه قفل این بازی را برای ذوب آهن باز کند؛ در نهایت رأی به برتری مسعود شجاعی داد.

دانیال مؤمنی: از ادانیال مؤمنی در این بازی چیز آنچنان زیادی به چشم نیامد و هافبک ذوب آهن که مأمور درگیری در مقابل ۱۸ قدم حریف بود، به جز کسب یک خطا در بقیه دقایق سابقه نتوانست آن طور که باید و شاید ارتباط مناسبی بین خط هافبک تیمش و مهاجمان برقرار کند.

علی دشتی: به نظرمی رسد که روز به روز

دشتی بیشتر در ترکیب ذوب آهن جا می افتد و حرکت او روی تنها گل ذوب آهن و سرعت بالایش نشان داد که بازیکن سابق استقلال بعد از رهایی از فشارهای قبلی می تواند یکی از بازیکنان تأثیرگذار در ترکیب تیمش باشد.

دارگو بیدوف: از مهاجمان حرفه ای انتظار می رود که در همان تک موقعیت هایی که نصیبشان می شود، بتوانند قفل بازی را باز کنند؛ ولی با این حال باید گفت بیدوف در یک موقعیت مناسب در شرایطی که می توانست ضربه خوبی به توپ بزند هوس انجام بازی نمایشی به سرش زد تا

تواند دروازه حریف را باز کند.

میلاد جهانی: فرشته نجات ذوب آهن در مقابل پرسپولیس نتوانست در مقابل یکی دیگر از تیم های قهرمپوش لیگ عملکرد موفق خود در هفته گذشته را تکرار کند و

جهانی هم مانند بقیه بازیکنان ذوب آهن در شکست این نیم مقابل حریف تبریزی

خودش سهیم بود.

گزارش روز

برگزاری مجمع تک کاندیدایی هیئت اسکواش

مهری مصور
دیرسرویس ورزش

برای مجمع انتخاباتی هیئت اسکواش استان اصفهان دو کاندیدایت نام کرده بودند که با غیبت محمد صادق میرزادر مجمع که به منزله انصراف او تلقی شد، بهزاد نویدنیابا به عنوان تنها نامزد مجمع، ۱۲ رأی از ۱۲ رأی مأخوذه را به خوداختصاص داد. پس از معرفی اعضای مجمع، نویدنیاب برنامه خود را با نمایش پاوریپویت ارائه کرد که مهم ترین سرفصل های مورد اشاره او، رشد و تعالی این رشته، معرفی و شناسایی آن به افراد جامعه و بسط و توسعه سخت افزاری و نرم افزاری اسکواش بود. پس از شمارش آرای کاندید منتخب مجمع، مدیر کل ورزش و جوانان استان اصفهان، با تبریک به رئیس منتخب مجمع، ارائه برنامه مدون از سوی او را نشانه مثبتی دانست و تأکید کرد برنامه ارائه شده توسط رسانه هائیت شده و رئیس هیئت اسکواش استان موظف است در طول دوره مسئولیتش، به رسانه ها درباره اجرای برنامه توضیح دهد. سید محمد طباطبایی با ابراز امیدواری برای دستیابی به اهداف کمی و کیفی، مدعی شد اسکواش برای رهایی از مظلومیت خود باید به سمت فرهنگ سازی حرکت کند و با توسعه این رشته، گام های بلندی برای پیشرفت آن در سطح استان برداشته خواهد شد. او با اشاره به حضور اصحاب رسانه در این مجمع، از رئیس هیئت اسکواش استان درخواست کرد ارتباط دوسویه و مؤثری را با اهالی رسانه داشته باشد.

طباطبایی با مهم ارزیابی کردن نقش رسانه ها در توسعه ورزش، بیان داشت: در استان اصفهان، روشنگرترین اصحاب رسانه را داریم که به جای انتقاد تخریبی، با دلسوزی و دغدغه مندی برای ورزش می نویسند. مدیرکل ورزش و جوانان استان اصفهان با اشاره به حضور مجتبی میردامادی، نماینده آموزش و پرورش، ابراز امیدواری کرد همکاری لازم بین آموزش و پرورش و هیئت اسکواش شکل گیرد و دانش آموزان با این رشته بیشتر آشنا شده و از ظرفیت های آموزش و پرورش در این زمینه استفاده شود. رئیس فدراسیون اسکواش نیز در این مجمع، از حمایت اداره کل ورزش و جوانان از هیئت اسکواش تقدیر کرد و با اشاره به دوره ریاست هشت ساله سید هدا محمدی، بر قدردانسی از کسانی که برای این رشته فعالیت کرده اند، تأکید داشت. مسعود سلیمانی با بیان اینکه عقد اخوت با هیچ کسی نبسته ایم، مدعی شد به رئیس جدید رأی نداده و تا یحیی از مهندسی انتخابات پیش نیاید. او با بیان اینکه در یک سال اخیر اسکواش اصفهان وضعیت خوبی نداشت و در ارزیابی کشوری در نیمه دوم جدول استان هافکار گرفت که جایگاه اصفهان اینجانیست.

سلیمانی ادامه داد: میرزانی مقتدرانه اصفهانی ها در اسکواش را به خاطر داریم که آوازه اش در شرق آسیا نیز پیچید و باید این میرزانی ها ادامه راوشود، همچنین باید در بخش بانوان فعالیت بیشتری انجام شود. رئیس فدراسیون اسکواش همچنین تأکید کرد رشته های پدل و راکت بال در استان اصفهان راه اندازی شود.

تاسیس شرکت سهامی خاص خورشید راسا خاورمیانه در تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۴ به شماره ثبت ۶۶۳۸۹ به شناسه ملی ۰۹۰۹۶۴۳۵۹

ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد.
موضوع فعالیت: موضوع فعالیت شرکت عبارت است از: ارائه کلیه فعالیتهای تجاری و خدمات بازرگانی در زمینه خرید و فروش و خدمات پس از فروش کلیه کالاهای مجاز بازرگانی، خرید و فروش و صادرات و واردات کلیه کالاهای مجاز بازرگانی، گشایش اعتبارات وال سی برای شرکت نزد بانکها، ترخیص کالا از گمرکات داخلی، اخذ و اعطای نمایندگی کمپانیهای معتبر داخلی و خارجی، برپایی غرفه و شرکت در کلیه نمایشگاه های داخلی و بین المللی، انعقاد قرارداد با کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی، ایجاد شعب و نمایندگی در داخل و خارج از کشور، اخذ ضمانت نامه بانکی، اخذ وام و اعتبارات بانکی بصورت ارزی و ریالی از کلیه بانکهای داخلی و خارجی صرفا در راستای تحقق اهداف شرکت، شرکت در کلیه مناقصات، پیمانها و مزایدهات دولتی و خصوصی و خدمات پیمانکاری در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان اصفهان، شهرستان اصفهان، بخش مرکزی، شهر اصفهان، محله خروخاب، خیابان مجمر، بن بست کیهان، پلاک- ۶۷، طبقه منفی ۱ کدپستی ۸۱۴۳۷۴۳۴۱۸ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال نقدی منقسم به ۱۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی تعداد ۱۰۰ سهم آن با نام عادی مبلغ ۳۵۰۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۳۸۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۶ نزد بانک ملی شعبه فردوسی با کد ۳۰۱۴ پرداخت گردیده است و الباقی در تعهد صاحبان سهام می باشد اعضا هیئت مدیره آقای سید محمد وحید شاهی به شماره ملی ۱۲۷۱۸۹۴۵۸۰ و به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت ۲ سال و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای مهدی نخی به شماره ملی ۱۲۹۶۳۹۹۴۶ و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال و به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای امیر محمد نغخی به شماره ملی ۱۲۹۲۷۰۹۷۹۰ و به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت ۲ سال و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری با امضا مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.
اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه بازرسان آقای محمد کهنفی به شماره ملی ۱۲۷۱۱۱۶۲۰ به سمت بازرس علی البدل به مدت ۱ سال آقای جواد صفی الدین اردبیلی به شماره ملی ۱۲۸۴۴۹۰۴۴ به سمت بازرس اصلی به مدت ۱ سال روزنامه کثیر الانتشار اصفهان زیبا جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.
ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری اصفهان (۱۰۷۳۵۴۲)

آگهی تغییرات شرکت ماشین ساز و فلز تراش اصفهان تام شرکت تعاونی به شماره ثبت ۲۸۴۳ و شناسه ملی ۰۲۲۹۵۶۴

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۳ و نامه شماره ۴۹۰۸۹ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۶ اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان اصفهان تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
حسین شیرزاد کدملی: (۱۲۸۵۲۷۲۸۵) به سمت رئیس هیئت مدیره و اکبر عشوریون کدملی: (۱۲۸۰۸۳۵۰۱۱) به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و رضا کیانزاد کدملی: (۱۲۸۰۶۲۷۲۸۸۴۸) به سمت منشی هیئت مدیره و اکبر مکتوبیان به کد ملی ۰۷۲۲۰۰۱۲۸۳۰ و سیدکمال مدنی به کد ملی ۰۳۳۲۶۵۸۹۸۶ بعنوان اعضای اصلی هیات مدیره برای مدت سه سال انتخاب گردیدند.
کلیه قراردادهای اسناد تعهد آور از قبیل چک، سفته و وبرات و اوراق بهادار پس از تصویب هیات مدیره، با امضای مدیرعامل و حسین شیرزاد (سمت رئیس) و درغیاب حسین شیرزاد (سمت رئیس) با امضای رضا کیانزاد (سمت منشی) و مهر شرکت معتبر خواهد بود و اوراق عادی با امضاء آقای اکبر عشوریون، (مدیرعامل) و مهر شرکت معتبر خواهد بود

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری اصفهان (۱۰۷۳۷۹۱)

آگهی تغییرات شرکت پیمان صنعت سیوان سهامی خاص به شماره ثبت ۶۰۹۰۳ و شناسه ملی ۰۷۷۴۱۷۹۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۰۱ تصمصمات ذیل اتخاذ شد:
اعضای هیات مدیره عبارتند از هادی نیکوکار به شماره ملی ۱۱۳۰۵۷۶۶۰ و مجید نیکوکار به شماره ملی ۱۱۳۰۲۵۶۵۸ و جواد نیکوکار به شماره ملی ۱۱۴۲۳۶۳۹۸۱ که برای مدت دو سال انتخاب شدند.
رحیم حاج هاشمی و رنوسفادراتی به شماره ملی ۱۱۴۲۳۶۴۵۷۷ بعنوان بازرس اصلی و علی حاجی کریمی به شماره ملی ۱۱۳۰۲۴۵۳۹۱ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.

آگهی تغییرات شرکت پیمان صنعت سیوان سهامی خاص به شماره ثبت ۶۰۹۰۳ و شناسه ملی ۰۷۷۴۱۷۹۷
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۸ نام شرکت به " پیمان یدک سیوان " تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری اصفهان (۱۰۷۰۹۵۱)

اصلاحیه

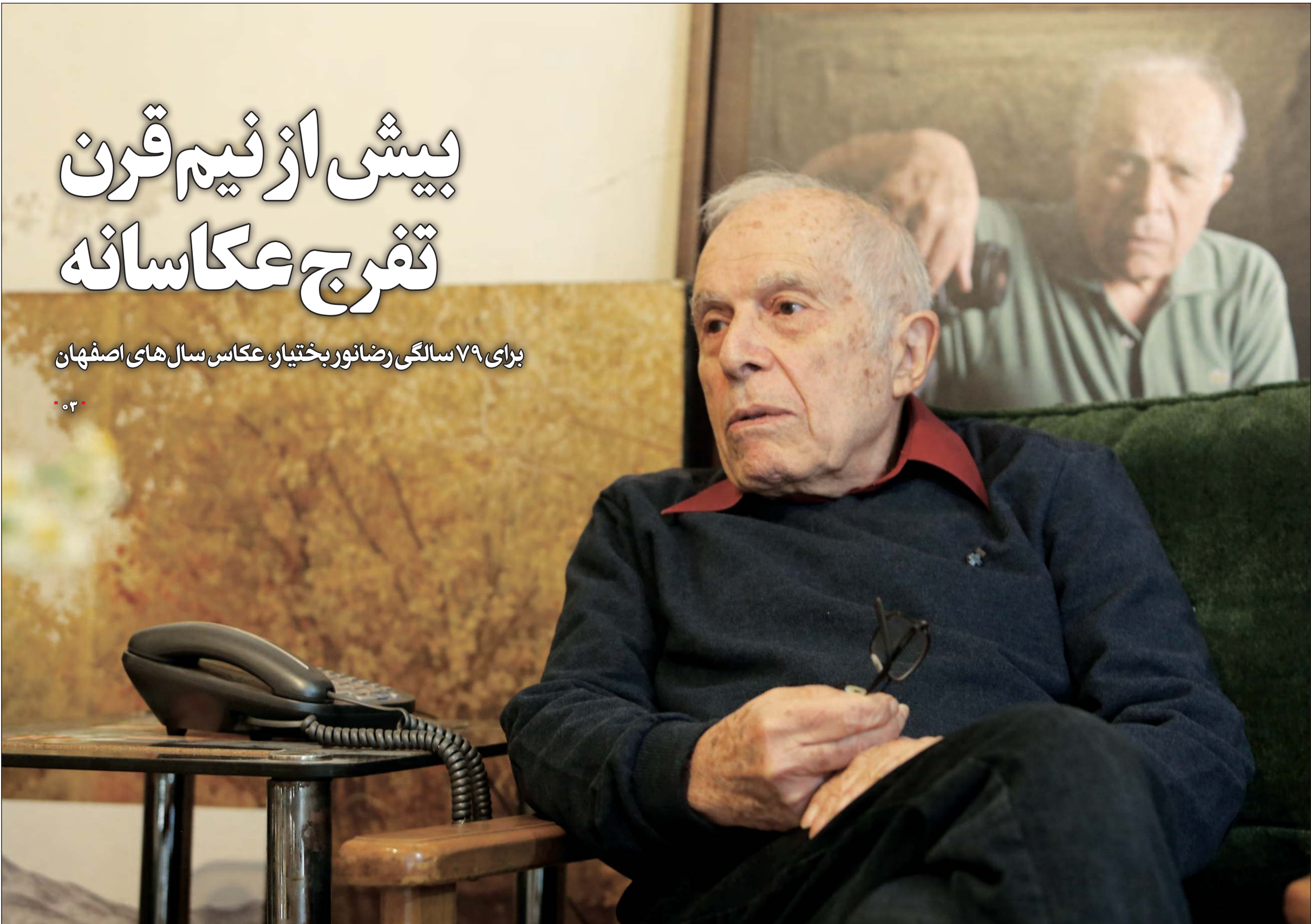
بدینوسیله اعلام می گردد: آگهی سازمان نوسازی و بهسازی مندرج در روزنامه اصفهان زیبا به تاریخ ۱۷ دیماه باطل است .

آگهی تغییرات شرکت ماشین ساز و فلز تراش اصفهان تام شرکت تعاونی به شماره ثبت ۲۸۴۳ و شناسه ملی ۰۲۲۹۵۶۴
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۰ و نامه شماره ۴۹۰۸۹ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۶ اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان اصفهان تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و صورتهای مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ و به تصویب مجمع عمومی رسید. آخرین رقم سرمایه به مبلغ ۸۷۴۵۷۰۰۰ ریال اعلام گردید. حسین شیرزاد به کد ملی ۱۲۸۵۳۵۲۷۸۵ و اکبر عشوریون به کد ملی ۱۲۸۰۸۳۵۰۱۱ و رضا کیانزاد به کد ملی ۱۲۸۰۶۲۷۲۸۸۴۸ و اکبر مکتوبیان به کد ملی ۰۷۲۲۰۰۱۲۸۳۰ و سیدکمال مدنی به کد ملی ۰۳۳۲۶۵۸۹۸۶ بعنوان اعضای اصلی و غلامرضا اسکندری به کد ملی ۲۲۹۰۷۸۷۱۸۳ و سید باقر صادقی به کد ملی ۱۲۸۶۳۰۹۶۷ و غلامرضا اسمعیلعلی به کد ملی ۱۲۸۸۶۱۱۵۰ بعنوان اعضای علی البدل هیئت مدیره برای مدت سه سال انتخاب گردیدند. مهدی بصراوی به کد ملی ۰۶۳۱۲۰۱۲۸۷۷ و غلامحسین شگفته گلان به کد ملی ۰۷۹۱۷۱۳۰ و حسین مستاجران گورتانی به کد ملی ۱۲۸۹۷۵۷۴۱ بعنوان بازرسان اصلی و اصغر داهوش به کد ملی ۱۲۸۵۵۲۳۰۶۷ به عنوان بازرس علی البدل شرکت برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری اصفهان (۱۰۷۳۷۹۷)

بیش از نیم قرن تفرج عکاسانه

برای ۷۹ سالگی رضانور بختیار، عکاس سال های اصفهان

۰۳



عکس از آزاده غزیزیان

همه اصفهانی ها باید قدردانش باشند

خاطراتی از کامران عدل با رضانور بختیار

در این زمان آقای بختیار وارد بحث آموزش شد و این حضور، زمینه ای را فراهم کرد تا او عکاسی را به همان روال آکادمیکی که خودش در انگلستان پشت سر گذاشته بود، آنجا پیاده کند. در واقع این آغاز مسیری بود که از دانشگاه های هنر اصفهان عکاسان درست و حسابی فارغ التحصیل شوند.

وقتی شاگردان او در تهران نزد من می آمدند، می دیدم که چه زحمتی آقای بختیار متحمل شده و چنین عکاسان خوبی را تربیت کرده است.

به نظر من همه اصفهانی ها باید به خاطر کارهایی که او انجام داده است، چه در زمینه آموزش عکاسی و چه مجموعه عکس های مهمی که ثبت کرده، قدرش را بدانند.

هست یا خیر؟

من به مدیران بنیاد گفتم که به دلیل جو اجتماعی ایران امکان برگزاری چنین مراسمی وجود ندارد.

اما آن ها گفتند که تو کارت را انجام بده. بالاخره من برای عکاسی به اصفهان آمدم. آقای بختیار آن موقع در اصفهان روزهای جمعه با دوستان هنرمندش در باغی جمع می شدند. من هم در یکی از جمعه ها به آن ها پیوستم.

آن روز آقای بختیار رو به جمع با لهجه اصفهانی گفت که آقای کامران عدل از تبریز اومدن. همه هم زدند زیر خنده و با صدای بلند خندیدند.

من چون مدتی در اصفهان زندگی کرده بودم، روحیات اصفهانی ها را می شناختم و تمام تکنیک ها را بلد بودم. بلافاصله گفتم: نه اینکه اصفهان رو شما ساختید و شاه عباس و صفویه از آذربایجان نبودند! یک دفعه سکوتی در جمع برقرار شد و البته خوشبختانه به خیر گذشت.

یک بار دیگر هم دختر من، که هم سن و سال دختر آقای بختیار بود، از پاریس آمد و چند روزی من و آقای بختیار و دخترها اصفهان را گشتیم و صحبت کردیم.

این چند روز تنها روزهایی بود که توانستیم با هم بیشتر معاشرت و گفت و گو کنیم و خیلی خوش گذشت و دوباره متأسفانه هرکسی سر کار خودش بازگشت.

اما چرا گفتم رفتن آقای بختیار به اصفهان کار خوبی بود؟ چون در آن زمان یک سری از تکنیک ها رشته عکاسی را به دانشگاه برده بودند؛ اما چون اساسا عکاس نبودند و فضا را نمی شناختند عکاسی را به سمت بحث های روشنفکری و آدا و اطوار هنری برده بودند.



هستند، برو اصفهان.

ماهرالنقش، که اصالتا اصفهانی بود، سه سال روی این پروژه کار کردیم. در نتیجه این همکاری سفرهای بسیار زیادی را به اصفهان داشتم؛ چرا که اصفهان مرکز کاشی ایران بود و باید مدام به آنجا می آمدم. با این حال آقای بختیار در تهران و در شرکت هلی کوپتر سازی کار می کرد و این اصفهان آمدن های متوالی من باعث نشد دوباره با هم از نزدیک در ارتباط باشیم.

وقتی انقلاب شد هر دو نفرمان بیکار شدیم. از سر بیکاری معاشرت ما بیشتر شد؛ اما روزگار قشنگی نبود. آقای بختیار مسئولیت نگهداری دخترش را به تنهایی داشت و شرایط سختی داشت.

یک روز به او گفتم: آقا رضا! تهران را ول کن. در اصفهان خانه و خانواده داری. مادر و خواهرت اصفهان

من به همراه آقای محمود ماهرالنقش، که اصالتا اصفهانی بود، سه سال روی این پروژه کار کردیم. در نتیجه این همکاری سفرهای بسیار زیادی را به اصفهان داشتم؛ چرا که اصفهان مرکز کاشی ایران بود و باید مدام به آنجا می آمدم. با این حال آقای بختیار در تهران و در شرکت هلی کوپتر سازی کار می کرد و این اصفهان آمدن های متوالی من باعث نشد دوباره با هم از نزدیک در ارتباط باشیم.

وقتی انقلاب شد هر دو نفرمان بیکار شدیم. از سر بیکاری معاشرت ما بیشتر شد؛ اما روزگار قشنگی نبود. آقای بختیار مسئولیت نگهداری دخترش را به تنهایی داشت و شرایط سختی داشت.

یک روز به او گفتم: آقا رضا! تهران را ول کن. در اصفهان خانه و خانواده داری. مادر و خواهرت اصفهان

آقای بختیار می گوید: «پسری خان و خانه و زندگی داشت، بیشتر من مشترک برای من دلگرم کننده بود.

از یاد حادثه در تلویزیون ملی من در مسئولیتی قرار گرفتم که باید مدام در سفر می بودم؛ به شکلی که سالی هشت نه ماه در مسافرت بودم؛ در نتیجه بین من و آقای بختیار مدتی فاصله افتاد؛ اما همچنان با هم در تماس بودیم.

بعد از آن در ۱۳۵۳ به دلیل مشکلاتی که با ساواک در تلویزیون داشتم، از تلویزیون ملی استعفا دادم.

پس از مدتی در دفتری برای عکس برداری از اشیای موزه و کتاب ها مشغول فعالیت شدم. یکی از کارهای عمده ای که برای من پیش آمد، پروژه اجرای نقش در کاشی کاری ایران بود.

بختیار داشتیم و چون او متأهل بود و خانه و زندگی داشت، بیشتر من به خانه آقای بختیار می رفتم. هم آقای بختیار و هم همسرش خیلی با حس خوب از من پذیرایی می کردند.

این شرایط، محیط خیلی خوبی برای من فراهم کرد؛ چرا که من به عنوان عکاس هم مایه ننگ به حساب می آمدم و از خانواده طرد شده بودم و هم اینکه در بین جماعت بورژوا، عکاس ها آدم حساب نمی شدند و عکاسی را کار آدم های درست و حسابی نمی دانستند.

آقای بختیار خاطره ای برایم تعریف کرد؛ با این مضمون که روزی پدر آقای بختیار به همراه او برای اینکه از شغل عکاسی سردر بیاورد، پیش یک عکاس در اصفهان می رود و عکاس به پدر

آلبیه را هم چهل و دو گذاشته بودند. در فرانسه اگر چه کار من عکاسی مد بود، اما از عکاسی تبلیغاتی دور نبودم. با وجود اینکه رشته عکاسی من تبلیغات نبود، اما با فضای این نوع عکاسی نا آشنا نبودم؛ بنابراین آقای ممیز از من خواسته بود چند عکس تبلیغاتی برای آن ها بگیرم.

بالاخره یک شب که به دفتر آقای ممیز رفتم، آقای بختیار هم آنجا بود؛ اما من او را نمی شناختم. آقای ممیز ما را به هم معرفی کرد. آقای بختیار چون از انگلستان آمده بود و تحت تأثیر فضای آنجا بود، و جنات انگلیسی داشت.

خاطر من هست کلاهی به سر داشت و شبیه آقای سام هاسکینز، عکاس انگلیسی، بود.

وقتی شروع به صحبت کردیم و من متوجه شدم آقای بختیار از انگلستان آمده است. بسیار خوشحال شدم که در تهران یک نفر را پیدا کرده ام که بتوانم درباره عکاسی به شکل جدی با او حرف بزنم.

در زمستان ۱۳۴۸ بود که آقای جواد مجابی از آقای بختیار، یک نفر دیگر و من دعوت کرد که در مصاحبه ای برای روزنامه اطلاعات سال شرکت کنیم. اطلاعات سال در واقع کتابی بود که صفحاتی از آن هم به مسئله عکاسی می پرداخت.

ما به دفتر روزنامه اطلاعات رفتیم و آقای مجابی با ما سه نفر مصاحبه ای را انجام داد. در حین مصاحبه متوجه شدم که آقای بختیار واقعا آدم حسابی است و می شود با او درباره عکاسی صحبت کرد و به قول ما این کاره است.

بعد از این آشنایی جلساتی را با آقای

من در ۱۳۴۷ از تلویزیون ملی دعوت نامه هایی دریافت کردم و از فرانسه به ایران بازگشتم و بلافاصله در تلویزیون ملی مشغول به کار شدم.

فضای خوبی بر تلویزیون ملی حاکم بود؛ چرا که بیشتر آدم ها از اروپا، به خصوص فرانسه، آلمان و تعدادی هم از انگلستان دعوت به کار شده بودند و به نوعی کار بلد بودند.

با این حال از عکاسی خبری نبود. در آن زمان واقعا وضعیت عکاسی ایران فاجعه بود. وقتی به ایران آمدم، آقای ممیز استاد مسلم گرافیک ایران و دوست مشترک من و آقای بختیار، من را به دفترش دعوت کرد.

از خانه ما که سر چهارراه حقوقی بود تا دفتر آقای ممیز، پنج شش دقیقه پیاده روی بود. اسم

در زمستان ۱۳۴۸

آقای جواد مجابی

از آقای بختیار،

یک نفر دیگر و من

دعوت کرد که در

مصاحبه ای برای

روزنامه اطلاعات

سال شرکت

کنیم



او عکاسی را به همان

روال آکادمیکی که

خودش در انگلستان

پشت سر گذاشته بود،

در اصفهان پیاده کرد.

این آغاز مسیری بود

که از دانشگاه های هنر

اصفهان عکاسان خوبی

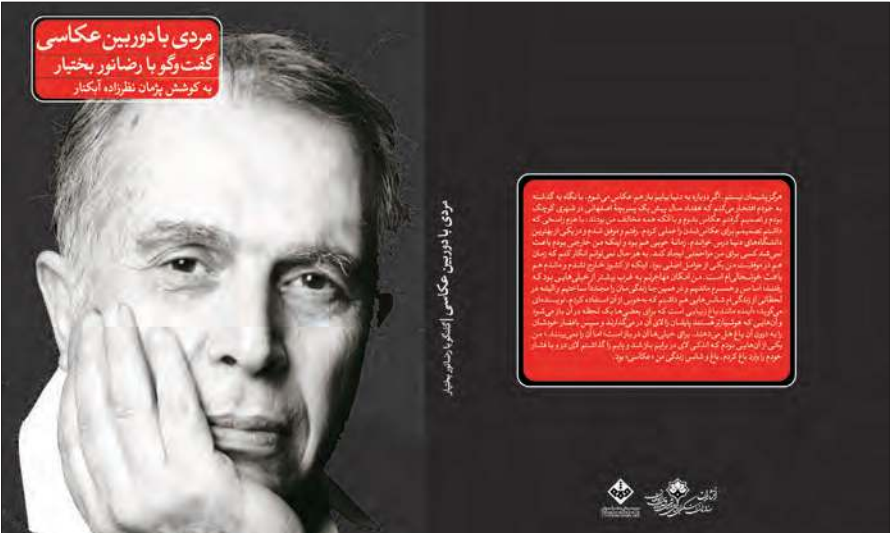
فارغ التحصیل شوند



					
۲	سال شانزدهم * شماره ۲۹۲۲ * پنجشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۹				

حافظه‌ای برای تاریخ معاصر ایران

بخشی از مقدمه کتاب در دست انتشار «مردی بادوربین عکاسی» گفت وگو بارضانور بختیار



مخصوصاًبرشهرلندن زانمی داد. کارگری در آتلیه جان فرنچ، عکاس برجسته بریتانیایی، چنین گیل‌اس درمزرعه و کاردر کارخانه سیگارسازی جان پیلر، قسمتی از تلاش او برای ماندن و ادامه دادن درآن سال‌هاست. او سرانجام پس از سال‌ها تلاش و پیگیری، درآنگلستان رفت. آن چنان‌که به یاران دیپرستانی‌اش نیزهرکدام در مقطعی از زندگی چنین کردند و به راهی رفتند که او رفت. سال‌های حضورش درانگلستان به عباس کیارستمی، مرتضی ممیز، جواد مجابی، نعمت حقیقی و ده‌ها نام ازاین دست، که دوستان او هستند، کامل کرد. سال‌های کودکی او دراصفهان، شهر رؤیایی و سوررئالی گذشت که در این سال‌ها دیگر نشانی از آن باقی نمانده است. حالا خاطرات نوستالژیکش ازآن ایام برای شناسایی زمانه‌نسل‌لی که درحوالی‌ما زیستند و به‌مرور به خاطره‌ها پیوستند، بسیارمفتمن است. اصفهان، شهررؤیایی نسل رضانوربختیار، درمیانه آهن ودود در قلب‌نسلی که درآن زندگی می‌کردند، برای همیشه پنهان شده است؛ شهری که رضانور درسال‌های نوجوانی‌اش درآن به دبیرستان بزرگ سعدی درمجاورت میدان تاریخی نقش‌چهارن رفت و درهمان جابا ادبیات، عکاسی، سینما و دوستان ابدی‌اش یعنی فرشید مثقالی، احمد میرعلایی و ضیا موحد آشنا شد؛ یاران دیرینی که سابقه دوستی‌شان به پیش از نیم‌قرن می‌رسد! کسانی که بعدها هرکدام افراد تأثیرگذاری دراین سرزمین شدند. در همین دبیرستان بود که تحت‌تعالیم کسانی چون غلامحسین آهنی وناصرقلی بهاضدری، درپچه‌های جدیدی از جهان به روی نسل او که تشنه دانستن بودند، گشوده شد. نسلی که پس ازسال‌های جنگ جهانی دوم و تراژدی تحمل‌ناپذیر اشغال وطن به دست بیگانگان پاپرخاک این سرزمین گذاشت، نسلی که ساختن را



پیمان نظریزاده آبکنار نویسنده

گفت‌وگو بارضانوربختیارصرفا مواجه‌با یک عکاس نیست؛ بختیار قسمتی از حافظه تاریخ معاصر ایران است. او تکه‌ای از تاریخ، در یک پازل بزرگ است، پازلی که تکه‌های دیگری را باید با کسانی مانند عباس کیارستمی، مرتضی ممیز، جواد مجابی، نعمت حقیقی و ده‌ها نام ازاین دست، که دوستان او هستند، کامل کرد. سال‌های کودکی او دراصفهان، شهر رؤیایی و سوررئالی گذشت که در این سال‌ها دیگر نشانی از آن باقی نمانده است. حالا خاطرات نوستالژیکش ازآن ایام برای شناسایی زمانه‌نسل‌لی که درحوالی‌ما زیستند و به‌مرور به خاطره‌ها پیوستند، بسیارمفتمن است. اصفهان، شهررؤیایی نسل رضانوربختیار، درمیانه آهن ودود در قلب‌نسلی که درآن زندگی می‌کردند، برای همیشه پنهان شده است؛ شهری که رضانور درسال‌های نوجوانی‌اش درآن به دبیرستان بزرگ سعدی درمجاورت میدان تاریخی نقش‌چهارن رفت و درهمان جابا ادبیات، عکاسی، سینما و دوستان ابدی‌اش یعنی فرشید مثقالی، احمد میرعلایی و ضیا موحد آشنا شد؛ یاران دیرینی که سابقه دوستی‌شان به پیش از نیم‌قرن می‌رسد! کسانی که بعدها هرکدام افراد تأثیرگذاری دراین سرزمین شدند. در همین دبیرستان بود که تحت‌تعالیم کسانی چون غلامحسین آهنی وناصرقلی بهاضدری، درپچه‌های جدیدی از جهان به روی نسل او که تشنه دانستن بودند، گشوده شد. نسلی که پس ازسال‌های جنگ جهانی دوم و تراژدی تحمل‌ناپذیر اشغال وطن به دست بیگانگان پاپرخاک این سرزمین گذاشت، نسلی که ساختن را

					
	خانه روشن * * * * *				

عکاسی در ساحت عکاسی

مروری بر نیم قرن فعالیت عکاسی رضانور بختیار



شهرام احمدزاده ترکمانی نویسنده

وقتی برای یافتن راه‌های درست و مطمئن راهی انگلستان شوی و پس از طی مشقات و مشق بسیار و آموختن به وطن بازگردی و بیش از نیم قرن از عمر گران‌بهایت را صرف عکاسی از مناظرو شهر و مردم و آثار معماری و تاریخی و صنعت و اجتماع کنی، دور از انتظار نیست که مجموعه‌ای شگرف و باشکوه در شاخه‌های مختلف عکاسی فراهم کرده باشی که چون سندی است برای شهر و دیار این مرزوبوم به سان داشتن آلبومی خانوادگی از زوایا و سفرها و فرهنگ و داشته‌ها و زیبایی‌ها و غیره در دست یک شهررو سرزمین. آرشیو ثبت‌های رضانور بختیار از اقصی نقاط اصفهان و کاشان و دیگر شهرهای ایران، بازارها، صنایع، شهر و بافت شهری در زمان‌های مختلف و برگزاری تعداد بسیاری نمایشگاه در ایران و جهان و چاپ کتاب‌های متعدد، گواه این مدعاست که از هنرمندان سخت‌کوش و پراکار عکاسی‌مان بوده است و به جرئت می‌توان گفت پس از انست هولستر، بختیار کسی است که ریزینه‌انه و دقیق به اصفهان پرداخته است که چون میراثی ارزشمند در دفتر هنر عکاسی‌مان ماندگار است. هرکس که در این عرصه، زمان و انرژی فراوانی صرف کرده باشد، خوب می‌داند که نیم قرن مداوم عکاسی و از عهده آن خوب برآمدن چه کارگران بها و مشکلی است؛ آن هم در زمانی که عکاسی‌کردن و داشتن ملزومات آن

بسی دشوار و گاهی ناممکن بوده است.

مشکلاتی چون هزینه‌های تهیه فیلم و ظهور عکس، سختی سفرهای ضروری برای جمع‌آوری و آرشیو کردن عکس‌ها و ناآشنایی مردم جامعه با عکاسی مستند و غیره؛ همچنین نگهداری از آن‌ها از موانعی بوده که عکاسی‌کردن از جغرافیای ساکن و مردم و حاشیه‌ها را سخت‌تر و گاهی ناممکن می‌کرد. باین همه بوده‌اند عکاسانی که ده‌ها سال، بی‌وقفه و مداوم در همان وضعیت و شرایط دشوار کار کرده‌اند و رضانور بختیار یکی از همان هنرمندان است.

اگر بخواهیم درباره شیوه عکاسی او دقیق شویم و آن‌اورد بررسی قرار دهیم قبل از هر چیزی باید به طیف‌های مختلف عکاسان و رویکردهای مختلف آن‌ها در طول تاریخ اشاره کنیم.

در طول دوره‌های مختلف، جنبش‌ها، سبک‌ها و مکاتب گوناگونی در عکاسی شکل گرفتند که به فراخور ماهیت و اهدافشان شیوه‌های خاصی در عکاسی در پیش گرفتند که منجر به تولید آثاری با شاخصه‌های گوناگون شد؛ به طور مثال، عکاسان پیکتوریالیست که منشعب از گروه «حلقه اتحاد عکاسان پیوسته» بودند به تقلید از نقاشان هم‌زمان خود صحنه‌های چیدمان شده روایتگری یک واقعه تاریخی یا مذهبی را عکاسی می‌کردند و با ایجاد فوکوس نرم، چرب‌کردن لنز یا محو کردن عکس هنگام چاپ سعی در نزدیکی عکس به آثار نقاشی داشتند.

یا گروه عکاسان جدایی‌طلب با ایجاد حداکثر عمق میدان وضوح و ثبت

توسط معمار فرانسوی (آندره گدار) طراحی و ساخته شده بود حالا پس از گذشت حدود ۶۰ سال تبدیل به دانشگاه سینما و تئاتر سوره شده بود.

✱ **زندگی با خاطرات استاد**

او از خاطراتش در دوران دبیرستان در مدرسه سعدی گفت، از هم‌شاگردی‌هایی که از پشت این نیمکت‌ها به کجاها رسیده بودند و ما غرق درامید و رؤیای می‌شدیم. چه آدم‌هایی در این کلاس‌ها درس خوانده و درس داده بودند. او گفت که از همان دوران کودکی می‌دانسته که عاشق عکاسی و اصفهان است و می‌دانسته که باید عکاس شود. سال‌ها بعد

استاد رضانور بختیار را بهمین ماه ۱۳۸۰ در جلسه نخست اولین روز دانشگاه دیدم. معمولاً اولین‌ها واضح‌تر در خاطرمی‌مانند. به آرامی وارد کلاس شد و درست رفت کنار پنجره بزرگی که مشرف به عمارت عالی قاپو بود.

از ما خواست تا یکی یکی خود را معرفی کنیم و از علایق و تجربه‌ها و آرزوهایمان بگوییم. به روشنی به خاطر دارم که پرده مخملی بزرگ پنجره را کنار زد و با دستش عالی قاپو را نشان داد و گفت: سال‌ها پیش همین‌جا، زمانی که دانش‌آموز مدرسه سعدی بودم، از پنجره همین کلاس‌ها هر روز این منظره را تماشا می‌کردم.

بنای مدرسه سعدی که زمانی

در حین ساختن فیلم پرتره‌اش، از او پرسیدم به چه فکرمی‌کند؟ گفت: به این‌که این سال‌ها چه کردم و اگر حرفه دیگری غیر از عکاسی را دنبال کرده بودم، چه می‌شد؟ گفتم: خب؟ گفت: نه! باید همین کار را می‌کردم. باید عکاس می‌شدم.

✱ **اولین‌ها ماندگار تر هستند**

اولین‌ها معمولاً ماندگار تر هستند. او اولین عکاس تحصیل‌کرده اصفهان بود و از اولین هنرمند عکاس‌های ایران. از عکاسی شده بود، همه سعی در منصرف‌کردن او داشتند؛ حتی عکاسان آن زمان اصفهان، به او چیزی نیاموخته و توصیه کرده بودند

ا یادداشت |

پایه پای هم پیر می شویم

اصفهان بدون رضانور بختیار چیزهای زیادی کم دارد



او پس از بازگشت از انگلستان و شروع به کار حرفه‌ای عکاسی در ایران هم‌زمان با جدیت، آموزش عکاسی را دنبال کرد. کمتر دانشجوی هنرو

بود، درست منظورش را متوجه نشدم.

او آرزو کرد به پای سینما و عکاسی پیر شویم یا به پای همدیگر؟ حالا پس از گذشت ۱۹ سال از آن روز می‌بینم او به پای اصفهان، به پای عکاسی و عشقش به آن، به پای میدان نقش جهان و زاینده رود و ما نیز پا به پای او و هم‌نسلانش، به پای خاطرات و تجربیات و آثار و تأثیراتشان پیر شدیم و آموختیم.

✱ **اصفهان بدون او خیلی چیزها کم دارد**

بی‌تردید اصفهان بدون او و خاطرات و عکس‌هایش چیزهای زیادی کم داشت، همان‌طور که بدون آواز تاج و صدای ساز کسایی و شهناز، بدون آثار فرشچیان و علاقه‌مندان و موحد و ارحام صدر و...

استادش‌ان می‌آیند تا بیشتر و بیشتر بشنوند.

✱ **به پای هم پیر شوید!**

حالا او در آستانه ۸۰ سالگی و من در آستانه ۴۰ سالگی، همچنان مشتاق شنیدن خاطرات و تجربه‌هایش از آدم‌ها، از ضیا موحد و محمد مهریار، محمد حقوقی تا نعمت حقیقی و عباس کیارستمی هستم. خاطرات عکاسی‌اش از ایران را ناسیونال و فولاد مبارکه و هتل عباسی تا کوهرنگ و زاینده رود و میدان نقش جهان. به خاطر دارم در پایان همان کلاس روز اول دانشگاه استاد بختیار به ما گفت: به پای هم پیر شوید. من که آن روز ۱۸ ساله

سال نازدهم * شماره ۲۹۲۲ * پنجشنبه * ۱۸ دی ۱۳۹۹



مریم قدسیه

دبیرسویس فرهنگ و هنر

❖ **عکاسی**، باغ و شانس زندگی من است. باغی که وقتی سال‌های دور لحظه‌ای در آن بازشد، پاپیم را لایش گذاشتم و پافشار خود را به درونش هل دادم؛ همان طور که آینده مانند باغ زیبایی است که برای بعضی‌هایک لحظه در آن باز می‌شود و آن‌هایی که هوشیارترند پایشان را لای در می‌گذارند، سپس با فشار خود را درون آن باغ هل می‌دهند. این تعبیری است که در کتاب «مردی با دوربین عکاسی» که شرح زندگی و کارش است، به کار می‌برد. حالا در آستانه ۸۰ سالگی هرچند آردش را بیخته و الکش را آویخته، اما هنوز دست از علاقه و تفرجش در باغ عکاسی نکشیده است. خیلی روزها گوشِ اِپلش را برمی‌دارد و همچنان با عشق به تن خیابان و اصفهان می‌زند. خودش می‌گوید اسم رمزناور است و فایلم بختیار، البته خیلی‌ها به اشتباه به تریختیار صدایم می‌زنند. ۷۹ سال پیش به دنیاآم؛ در روز ۲۵ دی ماه، در اصفهانی که به قول خودش باغ‌مانند بود و سرسبزی در آن موج می‌زد و ساکنانش همه یکدیگر را می‌شناختند. با تولد خواهر و اِبتلاي مادر به بیماری تیفوئید در سه‌سالگی محل زندگی‌اش به ناچار شد باغ ۱۴ جریبی پدر بزرگ که در خیابان پل شبیری فعلی قرار داشت؛ باغی با نه‌ری جاری در میانه و ماهی‌های کوچک و بزرگ درون آن. اولین اکتشاف و جرقه‌های دانستن هم در پنج شش‌سالگی در همان باغ برایش اتفاق افتاد؛ وقتی رد گردوهای تازه درون نه‌ر را که هر روز صبح توجهش را جلب می‌کرد، گرفت و رسید آخر باغ و از آنجا به باغ‌های بعدی رفت تا بالاخره درخت بزرگ گردو با سایه‌ای پهن بر جوی آب و یک لاک‌پشت بزرگ را در سومین باغ کشف کرد.❖

❖ شغل پدرتان چه بود؟

پدرم خان زاده‌ای بود که چون به کالج انگلیسی‌ها رفت، بود، انگلیسی و فرانسه را خوب بلد بود و به واسطه همین هم جاهای مختلف کاری کرد؛ البته زیاد دوام نمی‌آورد؛ به عنوان مثال، برای شرکت نفت کار کرد. آخرین کارش هم با عموزاده‌اش سلطان محمد بختیار بود که شرکت قند را می‌ساخت.

❖ دوره دبستان در کجا گذشت؟

دو سال اول دبستان را در مدرسه منیژه گذراندیم که البته مدرسه‌ای دخترانه بود. بعد از آن به دبستان صائب رفته، البته آن موقع هنوز قهر صائب را آنجا کشف نکرده بودند.

❖ دوران دبیرستان را کجا گذراندید؟

به دبیرستان سعدی رفته که جای واقعا خاصی بود و زندگی ما را به یک تغییر داد. در سعدی معمولا از بچه‌ها مصاحبه می‌گرفتند و سطح دانش آموزان به هم نزدیک بود. البته این مدرسه فقط دو رشته ریاضی و طبیعی داشت. رئیس سعدی آن زمان یکی از دایی‌های من به نام ناصرتقی بهاصدری بود که بعداً رئیس اداره فرهنگ اصفهان شد. او دانش آموزان بسیاری را تربیت کرد؛ از نویسنده گرفته تا مترجم، فیلسوف و... احمد میرعلایی، فرشید مثقالی و... از شاگردان او بودند. نکته جالب در کارش این بود که هم معلم‌ها را با مصاحبه می‌پذیرفت هم شاگردها.

❖ ویژگی‌های خاص دبیرستان سعدی از نظر شما چه بود؟
موقعیت و معماری دبیرستان سعدی و میدان نقش جهان واقعا بر تربیت دانش‌اموزان تأثیر داشت و انرژی خاصی به آن‌ها می‌داد؛ کما اینکه بعدها هم که دانشگاه سوره شد خروجی‌های خوبی داشت. این دبیرستان به جز کارآموزشی خوب، چند آزمایشگاه به نظیر داشت؛ شیمی، فیزیک و بیولوژی و... که تجهیزات را از فرانسه خریده بودند. ما بعد از هر جلسه تئوری یک جلسه آزمایشگاه را می‌گذرانیدیم. برنامه‌های خارج از درس مدرسه هم خیلی خاص بود؛ به عنوان مثال، تئاترهای خوبی در سعدی روی صحنه می‌رفت. محمدعلی کشاورز با اینکه در مدرسه‌اب درس می‌خواند، ولی در سعدی اجرای تئاتر داشت. اولین نوشته‌ها و ترجمه‌هایم درباره عکاسی در روزنامه دیواری مدرسه منتشر شد. فرشید مثقالی در آن نقاشی می‌کرد و احمد میرعلایی کار ترجمه انجام می‌داد.

❖ اولین جرقه‌های علاقه به عکاسی چطور ایجاد شد؟

من هر تابستان برای خودم برنامه ریزی خاص می‌کردم؛ به عنوان مثال، یک سال در

رودخانه پرآب ماهیگیری کرده یا یک‌سال آپارات سینما درست می‌کردم. یک تابستان دکتر جعفرقلی بهاصدري، یکی از دایی‌هایم که از اولین ندان پزشک‌های ایران بود، یک دوربین جعبه‌ای به من داد و من با آن شروع به عکاسی از اصفهان با دید خودم کردم. عکس‌هایم را به لئون آبکاریان که عکاس نسبتاً درس‌خوانده‌ای بود، دادم و او آن‌ها را چاپ کرد. این دایی‌ام واقعا به من کمک کرد تا با امور فرهنگی آشنا شوم. او مجله‌ای به اسم اطلاعات ماهیانه داشت که بسیاری از استادان بزرگ ادب ایران در آن کاری‌کردند و مجله‌چاقوری هم بود. شروع به خواندن اطلاعات ماهیانه کردم و خیلی چیزها درباره ادبیات و سینما و... آموختم. لئون که تنها عکاس نسبتاً باسواد شهر بود، یک دوربین کداک ۳۵ میلی‌متری برای فروش پشت و پرتیش در چهار باغ داشت که من تا مدت‌ها در آرزوی داشتنش بودم. بالاخره ده به ۲۰ تومان‌ی پدر، شد اسباب خرید آن دوربین و بقیه پول توجیبی‌ها کم‌کم تبدیل شدند به نورسنگ، سه پایه، فلاش و... مسیر عکاس شدن.

❖ موضوع عکس‌هایتان در آن سال‌ها چه بود؟

یکی از کاراکترهایم چهار باغ بود، مسجد‌ها و زاینده رود هم بودند که خیلی دوستشان داشتم و همین طور مادی‌های زاینده رود. یک کار جالب‌هم در آن سال‌ها می‌کردم؛ فیلم‌های معروف روز را در سینما می‌دیدم و از طولانی‌ترین صحنه‌ها پاشان عکاسی می‌کردم، سه پایه‌ای به قیمت ۵۰ تومان خریده بودم. در خلوتی سینما دوربینم را روی آن می‌کاشتم و این صحنه‌ها را عکس می‌گرفتم و چاپ می‌کردم. خیلی‌ها دوست داشتند عکس‌هایم را داشته باشند. از فیلم‌ها کلی کلتوپاتر و بن‌هور و... عکاسی پاتوقم بود.

❖ عکاسی آقای طریقی (هالیوود) هم در چهار باغ بود. آقای طریقی چه موقعیتی داشت؟

امان اله طریقی در هنرستان هنرهای زیبا رشته نقاشی خوانده و به عکاسی رو آورده بود و معروف‌ترین عکاس شهر بود. او چون نقاش بود، روی شیشه خیلی خوب کار می‌کرد. خاطره‌ای جالب از آن زمان یادم است؛ دور، دور یک هنرپیشه آمریکایی به نام داکلاس فربنیک بود که سبیل صافی داشت و همه جوان‌ها علاقه‌مند بودند سبیلی مثل او داشته باشند. آقای طریقی برایشان این سبیل را درست می‌کرد و همه شبیه هم می‌شدند. ما هم عکس‌های خانوادگی‌مان را پیش طریقی در عکاسی هالیوود می‌گرفتیم.

❖ آن زمان عکاسان دوره‌گرد در اصفهان زیاد بودند. از آن‌ها چیزی به خاطر دارید؟

بله، هنوز عکاسان دوره‌گرد را از نوجوانی‌ام

به خاطر دارم. آن‌ها پرده‌هایی داشتند که چیزهایی روی آن نقاشی شده بود. خودشان هم یقه و کروات داشتند و آن‌ها را به کسانی که می‌خواستند عکس بگیرند، می‌دادند و فوری آن را با سیستم خاص خودش ظاهر می‌کردند یا با یک گراندی از نشستن در هوا پیمیا با کلاه‌های خاصی که در جنگ جهانی اول به‌بود و آسمان برای آن‌ها استفاده می‌کردند.

❖ تصمیم رفتن از ایران و خواندن عکاسی چطور شکل گرفت؟

دبیرستان که تمام شد، تصمیم داشتم بروم و با لئون که تنها عکاس باسواد شهر بود، مشورت کنم. او گفت: عکاسی کن؛ ولی بهتر است به کار حسابی پیدا کنی؛ به عنوان مثال، دکتر و مهندس شوی. وقتی برگشتم، لئون رئیسش هتل ایران‌تور در ابتدای عباس‌آباد شده بود. رفته‌پیشش و گفتم عکاس شده‌ام. گفت: کار خیلی بدی کردی؛ یک کار حسابی می‌کردی.

❖ چرا برای تحصیل عکاسی از ایران به انگلیس رفتید؟

با آمریکا هم مکاتبه کردم؛ ولی بعد فکر کردم در انگلیس شاید راحت‌تر باشم؛ چون نزدیک‌تر است. از طرفی ناکامی در گرفتن پاسخ به سؤال‌هایم درباره عکاسی باعث شد فکر رفتن برایم جدی شود. قبل از هر چیز باید دیپلم انگلیسی می‌گرفتم. تابستان همان سال توسط مستر کمبل که آن مدرسه شبانه‌روزی را می‌گرداند و می‌خواست از محل اقامت من در مدرسه در طول تابستان پولی به جیب بزنم، برای سکونت به خانه زن و شوهری معرفی شد که مردی آن‌ها در زمان جنگ در بخش ضد اطلاعات ارتش انگلستان کار می‌کردند. جان، مرد خانه، که آن زمان در کارخانه عروسک‌سازی کار می‌کرد کمک‌های زیادی به من کرد؛ خصوصاً زمانی که من در مدرسه کانتربری پذیرفته شدم. در ادامه به کالج کانتربری درایالت کنت رفته. یک‌ترم آنجا بودم. این مدرسه من را با زندگی دانشجویی آشنا کرد. یک‌ترم در آنجا بودم؛ بعد به مدرسه هنرهای زیبا ناتینگهام رفته. در این مدرسه فرصت آشنایی با فضای هنری را توسط یکی از معلما؛ نامن که خانم جوانی به نام مک درمنت بود و تازه فارغ‌التحصیل شده بود، پیدا کردم. اومن را با خودش به موزه و تئاتر و مراکز فرهنگی می‌برد.

❖ تابستان‌ها در انگلیس کار می‌کردید؟

بله. در تابستان سال دوم برای خودم کار پیدا کردم و به یک کارخانه بزرگ سیگارسازی در انگلستان رفته. فضای حکام‌بر کارخانه و زندگی ماشینی و سرد کارگران من را به یاد فیلم معروف چاپلین می‌انداخت؛ کارگرانی که انگار بخشی از ماشین‌ها شده بودند. در آنجا با پسری به نام جان آشنا شدم که در دانشگاه

آکسفورد ادبیات می‌خواند. لحظات خوبی را با کتاب‌ها به‌هم تجربه کردیم. یک بار از قسمت روان‌شناسی صنعتی کارخانه ما را خواستند و تذکر دادند که با تفرکات روشنفکرانه کارگران را بیدار نکنید؛ چون این‌ها قسمتی از ماشین‌آلات کارخانه هستند. از فردای آن روز هم جایمان را عوض کردند و گفتند شما مسئول شستن راه‌روها هستید.

❖ شما تجربه درس خواندن در مدرسه چاپ لندن را هم دارید. فضای این مدرسه چطور بود؟

بله. استادی به اسم جان چارد داشتم که من را به رفته به مدرسه چاپ لندن تشویق کرد؛ مدرسه‌ای که قدیمی‌ترین مدرسه چاپ جهان است. در اواسط قرن ۱۹ که عکاسی اختراع و جنگ جهانی آغاز شد، بخش زیادی از لندن خراب شد و این مدرسه تازه را یک معمار معروف انگلیسی روی خرابه‌های یک منطقه کاملاً صاف‌شده در جنگ ساخت. مدرسه خیلی خوبی بود. با استادانی تمام‌وقت و یک سری استاد مدعو کاری‌کردیم. آنجا استادان مختلف تبلیغاتی، مد، اتومبیل و... داشتم. آن‌ها ممکن بود برخی شاگردان را دعوت کنند تا در مواقع بیکاری با آن‌ها کار کنند. این قرعه به نام من هم افتاد و عکاس معروفی به نام پتو که آمده بود از جگوار و ماشین‌های دیگر عکس بگیرد، به من این فرصت را داد که کمکش کنم. او استودیویی اجاره کرده بود. من با کار کردن کنارش تازه متوجه‌شدم کار چه معنی دارد؛ در طول تابستان پولی به جیب بزنم. عکاسی گرفتم؛ به اضافه اینکه عضو دانشجویی انجمن عکاسان بریتانیا هم شدم. وقتی به ایران آمدم، کارهایم را فرستادم و عضو پیوسته شدم.

❖ چه شد که در کیهان و اطلاعات عکاسی مطبوعاتی را تجربه کردید؟

یک سال به تمام شدن درسم لیبتی برای رفت و برگشت به ایران به دستم رسید. آمدم و نمونه کارهایم را هم آوردم. یک روز در خانه دایی‌ام شماره وزارت فرهنگ و هنر را گرفتم و پرسیدم من می‌توانم با دفتر وزیر صحبت کنم. جلسه‌ای با وزیر برایم ترتیب داده شد؛ ولی بعداً با هم‌راهی کسانی مثل مسعود معصومی، کامران عدل، فخرالدین فخرالدینی و احمد عالی‌ان اتفاق افتاد. ما می‌خواستیم این انجمن مثل انجمن عکاسان بریتانیا باشد و عکاسان حرفه‌ای در آن فعالیت کنند؛ اما مسئله این بود که آن‌ زمان عکاسان تحصیل‌کرده کمی داشتیم. با شخصیت مهمی قرار داشتند. آن زمان مادر آستانه رنگی شدن روزنامه‌ها بودیم و هنوز عکاسان بلد نبودند عکس‌های سیاه و سفید را با فلاش بگیرند. انقلاب صنعتی شروع شده بود و ایران در آستانه تولید پیکان ویخچال و... بود. کارخانه صنعتی به‌شهر راه افتاده بود که مخمل و پارچه و... تولید می‌کرد. در دانشگاه علوم ارتباطات که متعلق به موسسه کیهان بود، تدریس را

تجربه کردم. در آنجا متوجه‌شدم همه‌از من مسن‌تر هستند و آمده‌اند فقط یک مدرک بگیرند. برای ایران ایز؛ از خلیان‌ها و خدمه پرواز و... عکاسی کردیم.

❖ آژانس تبلیغاتی ۴۲ رای کاسانی مثل مهیز، کیارستمی، دوایی و... راه انداختید. چرا دوام نیاورد؟

هر کدام به‌طور جداگانه کارایی خوبی داشتیم؛ ولی جمع همه در یک فضا سخت بود. نتیجه این جدایی شد راه‌اندازی رشته گرافیک توسط مرحوم مرتضی ممیز در دانشگاه و فعالیت فرشید مثقالی و عباس کیارستمی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و همکاری من با موسسه اطلاعات اول قسمت عکاسی و بعد قسمت سمعی بصری‌اش را ایجاد کردم. کم‌کم چاپخانه درست کردیم و حسابی تجهیز شد. بعد از انقلاب ۱۰۰ هزار تومان از اداره به من رسید. در ۵۹ که به اصفهان برگشتم و جایی را در اول قسمت عکاسی و بعد تهیه وسایل عکاسی بیشتر آشنا شدم؛ با کسانی مثل کاوه گلستان که اتفاقاً عکاس خوبی‌هم‌شد و کارش را از آنجا با آغاز کرد و دوستی‌ام با او تا زمان مرگش ادامه پیدا کرد.

❖ با آژانس فاکوفا هم کار کردید؟ تجربه کار در آنجا چطور بود؟

بله. با آژانس فاکوفا کار کردم. همین‌جا هم بود که با نعمت حقیقی آشنا شدم. مهم‌ترین پروژه‌ای که برای فاکوفا کار کردم یکی ۷ پ، بلیت‌های بخت آزمایی بود و یکی هم، ایران ناسیونال که تولیدات عظیمی کرده بود و ما می‌خواستیم از مجموعه کارهایش عکاسی کنیم. در فاکوفا درآمد امیدوارکننده‌ای داشتم؛ به‌طوری‌که اولین چکی که از فاکوفا گرفتم ۴۰۰۰ تومان بود. فضای کار در شرکت قابل قبول بود. یادم است برای نخستین بار هم خوانی تصویر و نوشته در تبلیغات‌شان دیده شد؛ هرچند شاید کسرشان خود می‌دانستند که نامی از کارشان در آنجا نبیند.

❖ از راه اندازی انجمن عکاسان ایران بگویید.

جرقه‌های راه‌اندازی این انجمن با دکتر شفافیه (معروف‌ترین عکاس پرتره آن زمان) آغاز شد؛ البته تا بعد از انقلاب عملی نشد؛ ولی بعداً با هم‌راهی کسانی مثل مسعود معصومی، کامران عدل، فخرالدین فخرالدینی و احمد عالی‌ان اتفاق افتاد. ما می‌خواستیم این انجمن مثل انجمن عکاسان بریتانیا باشد و عکاسان حرفه‌ای در آن فعالیت کنند؛ اما مسئله این بود که آن زمان عکاسان تحصیل‌کرده کمی داشتیم.

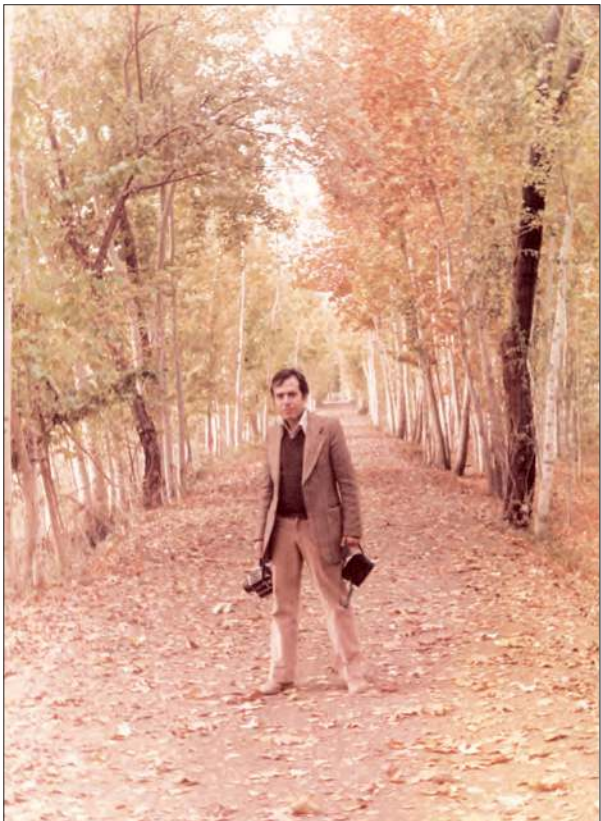
❖ تجربه همکاری برای تدوین اطلس فرهنگی ایران را هم داشتید. چرا ادامه پیدا نکرد؟

وزارت فرهنگ و هنر در پی تدوین اطلس فرهنگی بود و افراد سرشناس در تهیه آن دخیل بودند، به عنوان مثال، احمد میرعلایی متن‌هایش را آماده می‌کرد و ممیز



بیش از نیم قرن تفرج عکاسانه

برای ۷۹ سالگی رضانور بختیار، عکاس سال‌های اصفهان



هم طراحش بود. من هم عکاشش بودم و از سقاخانه‌ها، مساجد، کتابخانه‌ها، مدرسه‌های قدیمی و اولیه مثل البرز و... برای آن عکس می‌گرفتم. قرار بود برای همه شهرهای ایران یک اطلس فرهنگی درست شود؛ ولی فقط جلد تهران آماده‌شد و با وقوع انقلاب کار ادامه پیدا نکرد.

❖ بعداً کجا کار کردید؟
به شرکت ایرانی آمریکایی صنایع هواپیمایی ایران رفته. آنجا مسئول بخش سمعی بصری‌اش بودم. قرار بود این شرکت بزرگ‌ترین مرکز تعمیر و ساخت هواپیمادر آسیا شود که متأسفانه محقق نشد؛ البته من تا زمان انقلاب آنجا بودم و اول قسمت عکاسی و بعد قسمت سمعی بصری‌اش را ایجاد کردم. کم‌کم چاپخانه درست کردیم و حسابی تجهیز شد. بعد از انقلاب ۱۰۰ هزار تومان از اداره به من رسید. در ۵۹ که به اصفهان برگشتم و جایی را در اول قسمت عکاسی و بعد تهیه وسایل عکاسی بیشتر آشنا شدم؛ با کسانی مثل کاوه گلستان که اتفاقاً عکاس خوبی‌هم‌شد و کارش را از آنجا با آغاز کرد و دوستی‌ام با او تا زمان مرگش ادامه پیدا کرد.

❖ تجربه عکاسی صنعتی چطور بود؟
زمانی که فولاد مبارکه را ا ایتالایی‌ها می‌ساختند، موظف به عکاسی از آن شدم. چون در روز، عکس‌ها ضد نور می‌شد مجبور بودم شب به‌مانم و عکاسی کنم. در آن زمان تمامی خط تولید را از معادن آهن تا این کارخانه عکاسی کردم. ا رمس سرچشمه و فولاد اهواز هم عکس گرفتم. زمانی که اولین نمایشگاه صنعتی ایران بعد از انقلاب باز شد همه این عکس‌ها به نمایش گذاشته شد. عکاسی صنعتی واقعا کار سختی بود و من تصویر و نوشته نزدیک بود از دست بروم. از ذوب آهن هم عکاسی کردم.

❖ دفتر عکاسی لحظه‌ها تا چه سالی دایر بود؟ و عصر جدید زنده‌رود چه زمانی تأسیس شد؟
تا اواسط دهه ۷۰ پا برجا بود. بعداً البته و دفتر عکاسی «عصر جدید زنده‌رود» را در خیابان شیخ صدوق جنوبی دایر کردم. این دفتر یک نمایشگاه عکس بزرگ بود که زمانی چند لابراتوار داشت. برای هر بخش آن یک کاربری ویژه و مخصوص در نظر گرفته شده بود؛ به عنوان مثال، اتاق بالا محل نگهداری کتاب‌ها، آشپز و تجهیزات بود در آن فعالیت کنند؛ اما مسئله این بود که آن ساینز بزرگ و طبقه زیرزمین محل ظهور کاغذ عکس، فیلم و اسلاید‌ها بود.

❖ دفتر عکاسی لحظه‌ها تا چه سالی دایر بود؟ و عصر جدید زنده‌رود چه زمانی تأسیس شد؟

تا اواسط دهه ۷۰ پا برجا بود. بعداً البته و دفتر عکاسی «عصر جدید زنده‌رود» را در خیابان شیخ صدوق جنوبی دایر کردم. این دفتر یک نمایشگاه عکس بزرگ بود که زمانی چند لابراتوار داشت. برای هر بخش آن یک کاربری ویژه و مخصوص در نظر گرفته شده بود؛ به عنوان مثال، اتاق بالا محل نگهداری کتاب‌ها، آشپز و تجهیزات بود در آن فعالیت کنند؛ اما مسئله این بود که آن ساینز بزرگ و طبقه زیرزمین محل ظهور کاغذ عکس، فیلم و اسلاید‌ها بود.

❖ تجربه همکاری برای تدوین اطلس فرهنگی ایران را هم داشتید. چرا ادامه پیدا نکرد؟

بله؛ در دانشگاه‌های پردیس، سوره، سپهر و آزاد تدریس کرده‌ام.

❖ و چند کتاب چاپ کردید.

بله؛ یکی، کتاب « اصفهان موزه همیشه زنده» که موزه شهر بودن اصفهان و تنوع فضاهایش را نشان می‌دهد. بیشتر عکس‌ها معماری اصفهان را نشان می‌دهد؛ ولی عکس زاینده‌رود و پل‌ها و... هم در آن هست. انتخاب نام این کتاب هم قابل تأمل است؛ وقتی عکس‌های کتاب را به رئیس انجمن عکاسان بریتانیا نشان دادم، حیرت‌زده نگاه کرد و گفت: این یک شهر است یا یک موزه؟ چقدر جالب می‌شود اگر این کار را کتاب کنی. من همین را به احمد میرعلایی گفتم و میرعلایی گفت: اسمش را می‌گذاریم اصفهان، موزه همیشه زنده و پیش‌گفتارش را نوشت. کتاب دوم با نام «کنار هر رودی گام زدم آن رود زاینده‌رود شد» هم درباره زاینده‌رود و شامل عکس‌هایی است که زاینده‌رود را از سرچشمه تا گاوخونی عکاسی کرده‌ام. برای تهیه این کتاب همسرم شروع به جمع آوری اطلاعات و پژوهش کرد. چندین بار با استاد مهریار مصاحبه کردیم. انجام این پروژه پنج سال طول کشید. طی انجام آن کوچ بختیاری را هم عکاسی کردم. کتاب «راهنمای جامع عکاسی» را هم تألیف کردم که علاقه‌مندان و هنرجویان عکاسی در سال‌های اول دانشکده از آن استفاده می‌کنند.

❖ تجربه عکاسی از روند طراحی داخلی هتل عباسی چگونه بود؟

مهندس مهدی ابراهیمیان در جریان این کار، تمام استادکارانی را که کارهایشان دیگر خریداری نداشت، جمع کرد و دوبار بر درآمدشان به آن‌ها پول داد. برخی دانشجویانش از دانشکده هنرهای تزئینی را هم به کار گرفت و تمام تلاش را کرد تا کار به بهترین نحو انجام شود. زمانی که پروژه داشت تمام می‌شد، از آن با راهنمایی ابراهیمیان عکاسی کردم. برای اینکه مطمئن باشم عکس‌هایی که گرفتم خوب از آب درآمده، یکی از اتاق‌های هتل را گرفته بودم و شب‌ها فیلم‌هایش را ظاهر می‌کردم. نتیجه این پروژه و عکاسی، یک کتاب شد؛ البته بعداً کتاب مفصل دیگری هم با همکاری همسرم کار شد؛ ولی متأسفانه مدیران هتل آن را چاپ نکردند. باید یادآوری کنم که اگر همکاری و همراهی همسرم (فریده اکباتانی) نبود، کار زیادی از پیش‌نمی‌بردم. او محل امنی برایم فراهم می‌آورد و ضمن نگه‌داری از بچه‌ها و کار خانه، بیرون از خانه هم کار می‌کرد. او در موسسه‌ای مسئول قسمت کامپیوتر بود.

❖ عکاسی پرتره هم بخش مهمی از عکاسی شماست. پرتره کدام شخصیت‌ها را گرفتید؟

از شخصیت‌های مختلفی پرتره گرفتم؛ آقای چاپچی که تاجر ماهری بود و ساز می‌ساخت؛ از پر درازان کسبایی، احمد رضا احمدی، جواد مجابی، ارحام صدر، علی خدایی و زاون قوگاسیان. خیلی‌ها را عکاسی کرده‌ام؛ البته از عکاسی هم عکس پرتره گرفته‌ام.

❖ در عکاسی پرتره چه تگه‌ای را دنبال می‌کردید؟

سعی می‌کردم تکراری کار نکنم؛ اول سوزه را خوب می‌دیدم، بعداً با او صحبت می‌کردم؛ سپس بر مبنای فیزیک و شخصیتش نوپردازی انجام می‌دادم.

❖ انجام عکاسی فرش هم یکی از تجربیات جالب شماست. چطور اتفاق افتاد؟

این کار پیشنهاد استادان فرش اصفهان بود. یک روز زنده‌باد آقای حقیقی پیش من آمد و پیشنهادش را داد. مادر کارگاه شروع به نصب فرش‌های بزرگ به دیوار کردیم. زمانی که آفتاب و نور مناسب بود با دوربین بزرگ از آن‌ها عکاسی می‌کردیم. در ادامه پیشنهادهایی از تانلین و... ارائه شد.

❖ کجاها نمایشگاه‌های عکس برگزار کردید؟

بیشتر در گالری گلستان نمایشگاه برپا کردم. در گالری سیحون و بخردی هم تجربه برگزاری داشته‌ام.

❖ این روزها چشم انتظار به‌تمر نشستن چه کاری هستید؟

کتاب دایره‌المعارف عکاسی را از نمایشگاه کتاب خریدم و فکر کردم آن را به فارسی ترجمه کنم. کار مشکلی هم بود؛ ولی انجاشش دادم و برای انتشار به فرهنگ معاصر سپردم. متأسفانه هنوز منتشر نشده است؛ ولی خیلی دلم می‌خواهد قبل از مرگم این کتاب را ببینم.



گالری تصویری از عکس‌های رضانور بختیار

استاد رضانور بختیار تجربه‌های متنوعی در عکاسی دارد. عکاسی تبلیغاتی، عکاسی صنعتی، عکاسی طبیعت، عکاسی معماری و عکاسی پرتره برخی از این تجربه‌ها هستند.

